



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

خبرنامه برنامه ملی نقد متون علوم انسانی

تحول از مسیر نقد





نگاهی به رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی



مجموعه و نظرات آن اعتنا کند و اینجرا پشستوانه و عقبه خود بداند.

باید کارهای عمیق تری بشود با حاشیه زنی تنهانی شود علوم انسانی را درست کرد باید تولید کرد. رویناهای این علوم همانطوریکه گفتید سکولار است. ما اگر هم نقد کنیم این نقد معطوف به این رویناها است در حالیکه در تالیف جدید به مبانی و اصول توجه می شود. بنابراین سمت باید رابطه نزدیکی با این مجموعه برقرار کند.

شورای عالی انقلاب فرهنگی را در جریان کارهای خودتان قرار دهید. یکی از مباحثی که باید در شورای عالی انقلاب فرهنگی مورد توجه قرار گیرد همین مسئله است. لازم است رؤسای سه قوه که در این شورا حضور دارند در جریان باشند و در هماهنگی با هم در این رابطه کار کنند.

مسئله دیگر ارتباط با قم است، الحمدلله در جمع شما می بینم که از قم نیز هستند. در قم روی این مسئله کارهایی می شود موسسات خوبی مثل موسسه آقای مصباح و دیگر مؤسسات هستند که روی این مسئله می توانند مفید باشند.

یک شرایط همکاری درستی تعریف شود تا در آینده یک چشم انداز امیدبخشی در حوزه علوم انسانی داشته باشیم.

من به این کار اعتقاد دارم باید حرکت کلانی انجام بگیرد تا از نتایج آن مباحث علمی به بازار بیاید و تبدیل شود به کتاب های درسی یا کتاب های مرجعی که محل رجوع اساتید و دانشجویان باشد. خوشبختانه کارهای خوبی دارد انجام می گیرد که این کارها می تواند پشتوانه خوبی برای این مرکز باشد.

نه اسلامی کردن بلکه حتی این علوم با فرهنگ ملی ما هم همساز نشد. ما خیلی باید کار کنیم تا هم در فرهنگ عمومی مردم و هم در باور مسئولان اهمیت علوم انسانی را روشن کنیم.

هم جوانان ما، هم مردم باید بفهمند اهمیت این مسئله را. دانشجویان و جوانان ما بدیهی است با چنین شرایط حاکمی بر علوم انسانی دنبال مسایل دیگر ورشته های دیگر باشند. باید اهمیت علوم انسانی را تبیین کنیم و امتیازاتی در این رشته مطرح شود تا برای جوانان ما علوم انسانی جذاب شود.

من قبلاً هم در این رابطه صحبت کردم البته اگر چه مراد من علوم انسانی نیز بود ولی بیشتر در علوم پایه مثال آوردم. در کشور ما علوم پایه که منبای تحول علمی هست در درجه دوم قرار گرفت ولی علمی مثل مهندسی و غیره که مثل پول توجیبی هستند و خرج می شوند اهمیت درجه اول پیدا کرد.

علوم انسانی برای جامعه جهت دهنده و فکر زاست. مسیر جامعه را مشخص می کند.

یقیناً دست های فعالی در سیاست های بین المللی روی این مسئله کار کردند که کشورها را به سمت خرج کردن این پول توجیبی هدایت کنند تا از اصل قضیه دور شوند. باید مسئولین اهمیت علوم انسانی را بفهمند. وقتی این معرفت و باور بوجود آمد آنوقت شاهد تحولات خوبی خواهیم بود.

من غالباً کار این مجموعه را مطالعه کردم، کاری که انجام شد واقعاً خوب است. از دکتر گلشنی باید تشکر کرد که از اول دامن همت به کمر زدند. این کار را دنبال کنید. موسسه سمت باید به این

از برادران عزیز و اساتید محترم که امروز ما را در جریان فعالیت ها و تلاش های مبارک خودشان گذاشتند، خیلی متشکر حرف های خوب را بیان کردید، آنچه گفته شد حرف های درستی بود، مکنونات قلبی بنده هم در مورد علوم انسانی همین هاست. من فقط چند جمله ای را به عنوان تایید این کاری که آقایان می کنید عرض کنم.

علوم انسانی حقیقتاً در کشور ما غریب و منزوی است. این، واقعیت قضیه است. این نکته را از اوائل انقلاب دوستان دلسوزی چه در دانشگاه، و چه در حوزه احساس کردند و حتی مجموعه ای از دوستان در قم جمع شدند و کارهایی هم انجام دادند ولی آن کارها مقدماتی بود و ادامه پیدا نکرد. اگر این همت ادامه پیدا می کرد شاید ما وضع بهتری در علوم انسانی داشتیم. از سال ۷۴ که مسئله اسلامی شدن دانشگاه ها پیش آمد و آقای دکتر گلشنی با زحمات مشکور خودشان این مجموعه راه اندازی کردند، امیدهایی بوجود آمد که ما باید هر چه بیشتر تلاش کنیم که این امیدها بیشتر شود.

علت غریب علوم انسانی در دانشگاه ها این است که وقتی علوم انسانی وارد کشور شد مجموعه های فکری معتقد به اسلام با این علوم به شکل کامل آشنایی نداشتند. غیر از فلسفه و کلام و تعداد دیگری، رشته های جدیدی مثل علوم اجتماعی، علوم سیاسی و غیره مطرح شدند که در آن دوران با اینها آشنایی نبود. کسانی هم که در این حوزه کار می کردند اعتقادی نداشتند. غربی ها هم بطور منظم روی این مسئله کار کردند و آن را ارائه دادند. اینها هم روی آن سهل گیری و آسان پذیری تلاشی برای بومی کردن این علوم نکردند.



۶

دکتر موسی نجفی

شورای بررسی متون در خط
مقدم تحول علوم انسانی است



۲۴

دکتر احمد پاکجی

علوم انسانی در ایران:
چالش‌ها و راهکارها



۲۶

دکتر محمدتقی طباطبایی

نقادانه زیستن، اصلی‌ترین
ویژگی دانش است



۲۹

دکتر سید محمدتقی چاوشی

گزارشی از سلسله جلسات
پرسش از متن

العلم احسن

- سخن سردبیر ۴
- معرفی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی ۵
- شورای بررسی متون در خط مقدم تحول علوم انسانی است ۶
- نقد پشت درهای بسته منجر به تحول نخواهد شد ۸
- برنامه‌های پژوهشی ۱۰
- یک دانش: جستار وحدت در دانش‌های مدیریت و سیاست‌گذاری ۱۱
- گذار از ال‌های گسسته به ال‌های اجتماعی ۱۳
- تاریخ، طرح ما درباره آینده است ۱۵
- فلسفه در استدلال و مفاهیم تمام نمی‌شود! ۱۶
- ایران: آزمونی برای جامعه‌شناسی ۱۷
- علم اقتصاد؛ موضوع یاروش ۱۸
- نیروی دراماتیک علم از کجاست؟ ۲۰
- بار دیگر پرسش از سیاست ۲۱
- دشواری‌های ابتدای حقوق بر فقه ۲۲
- نشست‌های تخصصی ۲۳
- علوم انسانی در ایران: چالش‌ها و راهکارها ۲۴
- بایسته‌های استقلال و تعاملات زبانی در حوزه تولید علم ۲۵
- نقادانه زیستن، اصلی‌ترین ویژگی دانش است ۲۶
- ترجمه به مثابه حرفه ۲۷
- بحران علم در دوگانه علوم انسانی آکادمیک و عامه پسند ۲۸
- پرسش از متن ۲۹
- چهارمین همایش ملی خیر ماندگار برگزار می‌شود ۲۹
- نشست نقد و بررسی کتاب نظام ملی اقتصاد سیاسی ۳۰
- فرهنگ به مثابه معنای انباشته ۳۰



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: دکتر موسی نجفی
سردبیر: محمدحسن نیلی
دبیر تحریریه: سید احمد عسکری
گرافیک: افشین جم
نشانی: تهران، بزرگراه کردستان
جنب خیابان دکتر آئینه‌وند (۶۴ غربی)



سخن سردبیر

اصلاح وضع دانشگاهها به ویژه اصلاح متون درسی علوم انسانی گرفته شده بود، مهم ترین نهاد رسمی و در عین حال دانشگاهی ای بوده که نقد متون دانشگاهی را مدنظر قرار داده است. این شورا در این راستا تلاش های پرارجی نموده و طیف گسترده ای از متون درسی و غیردرسی دانشگاهی را مورد نقد و بررسی قرار داده است. اما به طور کلی سه ایراد اساسی را می توان بر این سنت نهادی وارد دانست. نخست آنکه نقد دائما بین دو قطب نقد صرفا فرهنگی و ایرادگیری های علمی در نوسان بوده و نقادی جدی علمی کمتر مورد توجه بوده، اشکال دوم آن که متون مورد بررسی از معناداری خاصی برخوردار نبوده و طیف وسیعی از کتب عامه پسند تا کتب دانشگاهی و از کتب موسس تا کتب دست چندم را در برمی گرفته است. ایراد سوم هم آن که این نقدهای متنوع از کتب متنوع، دسترس پذیری بسیار کم و سختی داشته و ندرتا منجر به تحولی در فضای علم شده اند.

بر اساس تحلیلی که پیشتر ذکر شد شورای بررسی متون در دوره جدید خود با توجه به ضرورتی که در ترویج نقادی سنت های علمی درک کرده است، گذاری از رویکرد مبتنی بر تحول برنامه درسی به نقد در حوزه عمومی داشته و در این میان به کتب ناظر به نقاط بحرانی علم نظر داشته است. چهار دوره تاسیس، تحول، تثبیت و عمومیت سنت های علمی خود را در چهار دسته: (۱) کتب پایه گذار سنت های علمی؛ (۲) کتب تحول آفرین و مبدع چرخش در گفتار علمی؛ (۳) کتب درسی تثبیت شده و (۴) کتب تاثیر گذار بر حوزه عمومی، به عنوان محور کتاب های مورد توجه در شورا در دوره جدید، بروز داده است. از سوی دیگر قواعد روشن تری از نقد یا بازخوانی کتاب در شورای بررسی متون تدوین شد تا نقد علمی کتاب جای خود را به انتقادهای جسته گریخته از کتاب ندهد و خلاصه کتاب به جای بازخوانی علمی کتاب ننشیند. بعلاوه شورای بررسی متون برای تمهید عمومیت نقد کتاب، با همکاری معاونت پژوهشی پژوهشگاه، پرتالی جامع ناظر به انتشار نقد و بازخوانی های علمی کتب تراز علوم انسانی را در دست طراحی دارد که ان شاء الله به زودی از آن رونمایی خواهد شد. اینها فارغ از تحولات نسلی، ساختاری و گفتمانی ای است که شورای بررسی متون بدین منظور در ساختارهای داخلی خود به وجود آورده تا بتواند در این مسیر گام بردارد. آنچه در این شماره از پیش چشم شما می گذرد گزارشی از دیدگاه ها، نشست ها و برنامه های تازه ای است که شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی در دوره تحولی خود و با هدایت راهبردی استاد گرانقدر جناب آقای دکتر نجفی، ریاست پژوهشگاه و شورای بررسی متون، انجام داده یا در صدد انجام آن است.

امری مرتبط با فهم، معنا و در ضمن فعالیت علمی باشد نه دانشی منفک و دلخواهی. بیگ دیتا هم نمی تواند این نقیصه را جبران کند. داده های بزرگ اولاً امری مربوط به گذشته اند و نه آینده و لذا لزوماً نمی توانند در پیش بینی علمی یاری رسان باشند. درثانی بهره گیری از مدل های پیچیده ریاضیاتی برای توصیف این کلان داده ها در نبود توضیحی فراگیر از آن مدل ها که بتواند وضعیت امر انسانی و دلیل سازمان یافتن مدل را بیان کند فاقد توجیه معرفتی است و بیش از پرتاب تیری در تاریکی نخواهد بود و لذا نمی تواند مدعی دانش باشد. در این دو قطبی نامولدی که علوم انسانی ما در آن گرفتار شده است، آنچه بیش از هر چیز دیگری جای خالی آن احساس می شود نقادی است؛ نقادی از سویی رتئوریک را به سوی گفتار تئوریک و نظریه پردازی می کشاند و از سوی دیگر روش را همچون امری انسانی، پیشرفت پذیر و قابل گفت و گومی سازد. نقادی استدلال رافرامی خواند و استدلال علمی در میانه رتئوریک و روش می ایستد و علم را بر پای می دارد. تیغ تیز نقد، نیشتری است که ضامن سلامت علم است و همان چیزی است که گفتارهای عامه پسند و روش گرا را بر نمی تابند. پافشاری بر نقد و نقادی ضامن بقای علم است؛ تمایز علم از استحسانات ذوقی، مکررگویی های بی فایده ویا نوگرایی های ناشناخته در نقادی متون علمی پدیدار می شود. اگر به درستی به دنبال تحول علوم انسانی هستیم این تحول بدون احراز دانشی ماندن این علوم که با بازبایی دوباره جایگاه نقد در نهاد علوم انسانی و گفتارهای آن حاصل می شود، امکان پذیر نیست.

اما تحول در علوم انسانی و بازبایی میراث ایرانی-اسلامی در علوم انسانی و بازشناسی پدیدار تاریخی عمیقی که ما ملت ایران و ملت های هم پیمان مادر انقلاب اسلامی آن را تجربه می کنیم چیزی نیست که به صرف احراز دانشی ماندن فضای علوم انسانی کشور قابل دستیابی باشد، تحول علوم انسانی مستلزم نقد سنت های علمی در این عرصه است. نقادی ای که نقاط بحرانی این سنت ها را مدنظر قرار دهد. نقاط سرآغاز، تحول یا گردش، تثبیت و عمومیت علم. سنت های علمی در علوم انسانی را باید بیشتر در متونی که ناظر به این برهه های علم هستند مطالعه، بازخوانی و نقادی نمود. تحول اساسی در علوم انسانی نتیجه بازبایی سنت نقد در این حوزه و بازشناسی میراث و تجارب تاریخی مان در ضمن بازخوانی و نقادی اصیل و اساسی سنت های علمی در علوم انسانی است و این دقیقاً همان مسیری است که شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی در دوره تحولی خویش و در پی نقد در پیش گرفته است.

شورای بررسی متون از آغاز تأسیس خود در میانه دهه هفتاد در ادامه تصمیمی که از ابتدای انقلاب به منظور

امروزه علوم انسانی دانشگاهی در ایران (و البته تاحدی در جهان) در وضعیت بغرنجی به سر می برند. نه آن چنان گفتار قدرتمندی دارند تا بتوانند در تمایز بخشی میان خود و گفتارهای عامیانه و شبه علمی، برتری تحلیل خود را به شکلی قاطع و مقبول تثبیت کنند و نه تجویزهای دانشی معتبر و تضمین شده ای در چنته دارند که در عرصه تجویز، بی چون و چرا خود را اثبات کنند. امروزه از آن مرز قاطعی که میان گفتارهای علمی و غیرعلمی کشیده می شود و از آن با نام demarcation یاد می شود و فیلسوفان علم دهه ها در باره آن جدال می کردند خبری نیست. امروزه از گفتارهای عامیانه ای که بر مبنای بازخوانی خلاقانه تجارب روزمره بنا شده اند استقبال بیشتری می شود و جالبتر آنکه نه تنها گفتارهای دانشگاهی توان طرد قاطع آنها را ندارند بلکه روندی معنادار از حرکت دانشگاه به سوی چنین گفتارهایی را شاهد هستیم. گفتمان هایی که چندی پیش به عنوان گفتارهای زرد، عامه پسند یا مبتذل از آنها یاد می شد اکنون بعضاً بر صدر نشسته اند. نه مسئله «روش»، نه مراقبت از صحت نتایج و «پیش بینی های علمی»، نه پرسش از «مبنای» و نه حتی مسئله «سازگاری» هیچ کدام در غلبه گفتارهای علوم انسانی عامه پسند نقش چندانی ندارند. همه چیز به سادگی در تحلیل و توسعه پذیری آسان گفتارها، رتئوریک خوب و روایت، خلاصه شده است. جالب آنکه این طوفان تقریباً تمامی رشته های اصلی علوم انسانی را درنوردیده است. از دین شناسی و الهیات گرفته تا مدیریت؛ از روانشناسی تا تاریخ؛ از جامعه شناسی و علوم سیاسی تا اقتصاد و حتی فلسفه همگی درگیر دعوتی شده اند که آنها را بین انزوا یا عدول از چارچوب های علمی و پیروی از معیارهای عامه پسند مخیر کرده است.

اما در سوی دیگر رویکردی دیگر در علوم انسانی دانشگاهی قرار دارد که بر برج عاج «روش» ایستاده و مدعی دانش است، دانشی که تدریجاً توضیح امر انسانی را نیز بر عهده نمی گیرد. به نحوی که تحقیقات دانشگاهی با اخذ روش بدون درگیر شدن با استدلال و نقادی عملاً به ماشین امضای اهداف پژوهشگران یا کارفرمایان پژوهش تبدیل شده است. اصولاً جایگاه روش در حوزه علم و به ویژه در علوم انسانی آن قدر یگانه، بی بدیل و ضیق نیست که به تنهایی بتواند از عهده تضمین حقیقت برآید. روش هر قدر هم مهم و شایسته احترام باشد نه تعیین بخش است و نه پیشینی. خود روش باید در ضمن فعالیت علمی پرورده شده و آموخته شود و حتی پس از خاتمه یافتن پژوهش نیز باید به نحو پسینی ای توسط جامعه علمی با توجه به تحلیلی که از مسئله به دست آمده و نتایج آن مورد بازبینی و نقادی مجدد قرار گیرد؛ روش شناسی باید



معرفی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی

شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، مرکزی منحصر به فرد در حوزه نقد منابع و مآخذ دانشگاهی در قلمرو علوم انسانی کشور و نخستین مجموعه علمی و پژوهشی در نظام جمهوری اسلامی ایران است که با رویکردی انتقادی به بررسی و نقد کتب دانشگاهی و منابع درسی علوم انسانی می‌پردازد. این شورای علمی در سال ۱۳۷۴ با پیشنهاد دکتر مهدی گلشنی رئیس وقت پژوهشگاه علوم انسانی و استقبال مقام معظم رهبری و نامه دفتر رهبری به وزیر وقت علوم، برای پاسخگویی به خلاءها و نیازهای جدی در عرصه نقد منابع درسی حوزه علوم انسانی دانشگاهها، در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تأسیس شد.

این شورا در طول عمر ۲۷ ساله خود هزاران عنوان کتاب دانشگاهی را نقد و بررسی نموده و با شبکه‌ای از صدها استاد و محقق عرصه علوم انسانی در ارتباط مستقیم بوده است. فعالیت‌های شورای بررسی متون در این سال‌ها به تدریج هرچه بیشتر عمومی شده است؛ البته این روند همزمان با روند دیگری است که درباره جایگاه حقوقی شورا رخ داده و شورا به تدریج و با شکل‌گیری نهادهای هم‌عرض، جایگاه بالادستی حقوقی خود را از دست داده و کمتر توانسته است در سیاستگذاری حوزه علوم انسانی کشور اثرگذار باشد. به طور کلی هدف شورای بررسی متون پژوهش و نقادی درباره متون اصلی و اثرگذار علوم انسانی و فراهم نمودن زمینه تحول عمیق و ریشه‌دار در این حوزه است.

شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی هم‌اکنون شامل دو شورای اصلی و شورای دبیران و شامل ۹ گروه تخصصی است. گروه‌های فعال شورا هم‌اکنون عبارتند از علوم اجتماعی، اقتصاد، علوم سیاسی، مدیریت و سیاستگذاری، تاریخ و تمدن، فقه و حقوق، الهیات و ادیان، فلسفه، و مطالعات علم و فناوری. همچنین شورا دارای یک ماهنامه علمی دارای رتبه الف یعنی «پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی» و چند نشریه ترویجی دیگر با نام «نقدنامه» است که ذیل گروه‌های تخصصی شورا و تحت اشراف دبیر گروه‌ها فعالیت می‌کنند. اطلاع‌رسانی برنامه‌های شورا و صوت نشست‌ها و دیگر منشورات آن نیز در سایت شورای بررسی متون به آدرس <https://www.iics.ac.ir/shmoton/fa> قابل دسترس می‌باشد.

د. مرام معظم رهبری
بسم الله
شماره:
تاریخ:
پرست:

جناب آقای دکتر معین
وزیر محترم فرهنگ و آموزش عالی

سلام علیکم،

نامه‌ی شماره‌ی ۱۸۰/د.ر مورخ ۷۷/۹/۳ جناب آقای دکتر گلشنی - رئیس محترم پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و رئیس شورای بررسی متون و کتب علوم اسلامی در خصوص فعالیت‌های شورا در ارتباط با بررسی متون و کتب علوم انسانی (تصویر پیوست) به استحضار مقام معظم رهبری «مخزنه‌العالی» رسید؛ مقرر فرمودند:

«جناب آقای دکتر معین

این کار بسیار لازم و با ارزشی است که باید از مدتها پیش انجام می‌گرفته است، لازم است ضمن تقدیر و تشکر از جناب آقای دکتر گلشنی و دستیارانشان در ابتکار، ترتیبی بدهید که نکات و تذکرات و فرآورده‌های این تحقیق در کتب درسی علوم انسانی به کار گرفته شود.»

مراتب جهت اقدام مقتضی و اعلام نتیجه، ایفاد می‌گردد.

محمدرضا گلپایگانی

۱/۵۰۲۲۹
۱۳۷۸ / ۲ / ۵

رونوشت:

ورود به دبیرخانه
جناب آقای دکتر گلشنی - رئیس محترم پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و رئیس شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی
شماره: ۲۲۷۸۰
تاریخ: ۱۳۸۰.۳.۷۸



دکتر موسی نجفی، رئیس شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی:

شورای بررسی متون در خط مقدم تحول علوم انسانی است

آرام مورد استقبال خانواده علوم انسانی قرار گرفت و تدریجاً به دانشگاه‌های سراسر کشور منتشر شد و هزاران نفر از اساتید درگیر این فرایند شدند. مرکز این هم در پژوهشگاه علوم انسانی قرار گرفت و این در پژوهشگاه هم به خوبی جای گرفت و در ساختار جدید پژوهشگاه نیز به خوبی دیده شد.

در دوره‌های بعدی شورای متون با یک نوساناتی روبرو شد به نحوی که برخی تحولات سیاسی بیرونی هم روی نوسانات آن تأثیرگذار بود. هم از نظر برخی مدیران گروه، برخی اعضا و حتی روندی که طی می‌کرد. در دوره مدیریت بنده، در این یکسال و اندی چون من از روند شورای متون اطلاع داشتم به نظرم آمد که باید در اینجا اصلاحاتی صورت بگیرد و بر اساس دهه پنجم انقلاب و لزوم تحول علوم انسانی، شورای متون هم متحول بشود، لذا تقریباً همه گروه‌ها به نحوی اساسی بازسازی شد، برخی ادغام شد و برخی به شکل تازه‌ای تعریف شد. بیش از نیمی از گروه‌های قبل در ساختاری جدید دوباره احیا شدند. به نحوی که فعلاً ۹ گروه فعال داریم.

ساختار جدید شورای بررسی متون هم به این صورت شد که هر گروه‌ی یک رئیس دارد و هم یک دبیر علمی جوان. وجود اینها در کنار هم باعث می‌شود که هم از نشاط و پویایی نیروی جوان استفاده می‌شود و هم از تجربه و تخصص علمی رئیس. اینها در کنار هم و البته با استفاده از شورای علمی گروه‌ها می‌توانند در طراحی نقد و نظریه‌پردازی در رشته‌های مختلف بسیار مفید و موثر باشند. در واقع شورای متون برای حرکت موثر در جهت نقد و نظریه‌پردازی به این نحو جدید یعنی ترکیبی از تجربه و انرژی جوان دوباره راه اندازی شد.

آیا علوم انسانی می‌تواند بدون نقد و نظریه‌پردازی از وضعیت فعلی‌ای که در آن قرار گرفته خارج شود؟

علوم انسانی به قول یکی از متفکرین برای غرب مثل علم کلام برای اندیشه اسلامی است. یعنی به نحوی می‌توان گفت که علوم انسانی وضعیتش غیر از علوم دیگر است و به نحوی به خود غرب و مدرنیته وابسته است. یعنی خیلی راحت نمی‌شود به آنها بدون داشتن یک نگاه نقادانه توجه کرد. این می‌تواند خیلی خطرناک باشد. در حالی که شما می‌توانید از دستاوردهای علوم انسانی در غرب استفاده کنید اما



جایگاه نقد و نظریه‌پردازی در اصلاح وضعیت فعلی علوم انسانی که در بسیاری از موارد درگیر آفت درج‌زدگی و تقلید شده را چطور توصیف می‌کنید و نقش شورای بررسی متون را در این زمینه چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بسم الله الرحمن الرحيم. شورای بررسی متون بیش از دو دهه است که در پژوهشگاه مشغول فعالیت است و از همان ابتدا نیز بر سر اینک جایگاه این شورا در علوم انسانی کجاست بحث بوده است. از آن جهت که نقد مباحث علوم انسانی مطرح بود و واکنش‌های اولیه‌ای که جامعه علوم انسانی به این فضا بروز می‌دادند مثبت نبود. یعنی هراسی از آن وجود داشت که این مجموعه می‌خواهد چه کار کند. لیکن به تدریج که گروه‌های مختلف علمی تشکیل شد و کتاب‌ها یک به یک انتخاب و مورد نقادی واقع شد و مجله علمی شورای متون بیرون آمد به خیلی از نگرانی‌ها پایان داد و جامعه علمی متوجه شد که نقادی متون علمی بیش از آنکه نقد یک نویسنده متن علمی باشد در واقع کمک به او و تفکر اوست. زیرا متن‌ها خیلی دقیق خوانده می‌شود و نقادی می‌شود و این بدان معناست که اولاً یک متن علوم انسانی به خوبی دیده بشود و خوانده شود و ثانیاً ایرادها و نکات مورد نقدش هم گفته شود و این آرام

دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و رئیس شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی در گفت و گو با دبیر این شورا به رویکردهای جدید و رسالت این نهاد علمی متناسب با بالندگی انقلاب اسلامی پرداخت و بر این باور است که شورای بررسی متون باید متناسب با سیر تطور کشور و رشد انقلاب اسلامی رو به جلو حرکت کند و با شناسایی کتب اصلی، مرجع و جریان ساز، از یک سو به نقد دقیق علمی بپردازد و از سوی دیگر به نظریه‌پردازی قدرت بخشد و در این صورت است که آزادی واقعی در اندیشه رقم می‌خورد.

III

آقای دکتر نجفی، از زمانی که برای مصاحبه در اختیارمان قرار دادید، خیلی تشکر می‌کنیم. در این مصاحبه تلاش می‌کنیم نظرات شما را به عنوان ریاست شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، درباره این شورا و روندهای جدیدی که در آن شکل گرفته است، بدانیم. ان شاء الله این مصاحبه هم برای اعضای درگیر در شورای بررسی متون و هم برای علاقه‌مندانی که می‌خواهند از روندهای این مرکز اطلاع بیشتری کسب کنند، مفید باشد. آقای دکتر،



توانسته ایم متون خودمان را برای دیگران معرفی کرده و مورد بازخوانی علمی قرار دهیم.

بله یکی از رسالت‌های ما این است که فضا دوسویه شود و علاوه بر نقد، به معرفی آثار مطرح در حوزه‌های مختلف اندیشه بپردازد. از طرفی نباید همه متون یک طرفه وارد کشور شود و باید فضایی ایجاد شود که پایه‌های تمدنی ما نیز به کشورهای دیگر صادر شود. اگر این اتفاق بیافتد، شاهد غلبه قدرت منطق ما در حوزه‌های معرفتی و دانشی خواهیم بود اگرچه تا کنون بیشتر کتب از آن حوزه وارد کشور شده است نه برعکس.

تجربه ثابت کرده است که هر وقت دانش و معرفتی از داخل به خارج منتقل شده است، یک تحول بزرگی شکل داده است مثل ابن سینا. شما می‌بینید که طب و فلسفه ابن سینا بسیار در اروپا تحول ایجاد کرد و نظام دانشگاهی در حد واسط قرون وسطا و رنسانس تحت تاثیر جریان دانشمندان مسلمان و اندلس هستند و ترجمه‌های مسلمین تاثیر بسیاری بر فضای فکری آنها از جمله مثلا تحقیقات دانشگاه اکسفورد داشت. این دانشمندان مسلمان حتی دانشی که از یونانیان گرفته اند را به نحوی بهتر از آنها با یک جریان قوی علمی به غربی‌ها پس دادند. این جریان باید دوباره تکرار شود ولی تحقق آن نیازمند عظمت علمی و تمدنی است و باید امثال فارابی‌ها و ابن سیناها شکل بگیرد.

اگر ما صرفا نقد کنیم و یک طرفه پیش برویم یک کار است ولی باید در سطح بالاتری قدم برداریم مثل سنت دانشمندان ایرانی هم چون فارابی که از دانشمندان یونانی دانشی اخذ کردند و دانش سطح بالاتری تحویل دادند. این دانش هم در الهیات مسیحی و هم در فلسفه غربی و هم در علوم تجربی اثر کرد و تکرار و بازسازی تمدن اسلامی نیازمند یک حرکت علمی بزرگ خودجوش است که اگرچه هنوز پایه‌های آن قدرتمند نشده است ولی انقلاب اسلامی می‌تواند آنرا شکل دهد.

اگر شورای بررسی متون بخواهد اثرگذاری خود را در جامعه علمی افزایش دهد باید چه روندی را در پیش بگیرد؟

خب اثرگذاری در این حوزه یک کار مهندسی نیست و باید روند طبیعی داشته باشد. در مرحله اول باید اعتماد کنند، بشناسند و خودشان هم مشارکت کنند و احساس کنند همان قدر که آثارشان دیده می‌شود و نقد می‌شود به همان اندازه به جریان علم کمک می‌شود. بنابراین شورا به همان نسبتی که با اساتید و دانشگاه‌ها برقرار می‌کند و این فضا را شکل دهد می‌تواند اثر گذار باشد. در مجموع، شورای بررسی متون یک بخش از پژوهشگاه است که در رویکرد جدید صرفا در درون آن محدود نمی‌شود و وجه بیرونی آن نیز به درستی حفظ شود و در واقع به عنوان یک نهاد عمومی به آن توجه می‌کنیم.

در نظریه پردازی و نقد طرح‌های کلان است که علوم انسانی خودش را نشان می‌دهد. اگر در نظریه پردازی، نظریه‌های کلان مدنظر قرار نگیرد در نظریه‌های متوسط و خرد نمی‌توان اصلاحات اساسی انجام داد

با این تفصیل شورای بررسی متون چه جایگاهی می‌تواند در تحول علوم انسانی داشته باشد؟

طبیعتا شورای بررسی متون در خط مقدم تحول علوم انسانی است چرا که مدام متون و فعالیت‌های جدی این حوزه را رصد می‌کند و چون هم فعالیت‌های علمی حوزه غربی و هم اسلامی را توأمان رصد می‌کند و نسبت به این دو حوزه داخلی و خارجی نیز دنبال می‌کند. بنابراین شورای متون دستگاهی است که به صورت علمی این فعالیت‌ها را رصد می‌کند و در خصوص حوزه خارجی به ترجمه‌ها نیز توجه می‌کند. شورا مرکزی است که کلیت این حوزه‌ها را در یک طرح می‌بیند و جزئی نگرانه به ماجرا نگاه نمی‌کند. به زعم بنده هر رشته علوم انسانی یک آدمک است که وقتی این آدمک‌ها در یک طرح کلان قرار می‌گیرند، آدم بزرگ می‌شود. بنابراین شورا اگرچه رشته‌های مختلفی دارد ولی مرکز نقد علوم اجتماعی، تاریخ یا علوم سیاسی نیست و همه این‌ها در کنار هم یک معنا را می‌رسانند.

آقای دکتر نجفی، شما به عنوان رئیس شورای متون، چه نقدی را به روند چند دهه فعالیت این شورا وارد می‌دانید؟

خب شورای بررسی متون یک سازمانی است که آرام آرام رشد کرده است اما متناسب با رشد انقلاب اسلامی و زمانی که بر آن گذشته رشد نکرده است و گرنه یک مجموعه بسیار خوبی بوده است. به نظرم مجموعه‌هایی که در دل تفکر دینی و انقلابی رشد کرده است باید متناسب با رشد آن تفکر، بالنده شود. شورای متون اگرچه خوب متولد شد و پیش رفت اما دچار توقیفی شد که این توقف باید الان جبران شود.

آیا این شورا می‌تواند در جهت اصلاح وضعیت تک سویگی ترجمه‌ها نیز کمک کند؟ چرا که ما اغلب شاهد غلبه ترجمه متون انگلوساکسون هستیم و نه متون زبانهای دیگر را دیده ایم و نه

باید متوجه باشید که کاملا ممکن است که در نقاطی به شما لطماتی بزند که خودتان متوجه نیستید. این شورا برای این تاسیس شد که این علوم را مورد نقادی قرار دهد و آن را بدون تامل و تفکر نقادانه نپذیرد. اما هیچ رویکرد انتقادی ای وجود ندارد مگر آنکه شما هم یک طرح جایگزین داشته باشید. مثلا شما وقتی می‌توانید به طراحی و معماری یک خانه ایراد بگیرید که تصویری از طراحی بدیل از خانه داشته باشید یا به یک نظام سیاسی وقتی می‌توانید نقد وارد کنید که طرح بدیل و ایدئالی از آن در ذهن داشته باشید. لذا در قسمت نظریه پردازی و نقد طرح‌های کلان است که علوم انسانی باید خودش را نشان دهد. چون اگر نظریه‌های متوسط را بخواهید نقد کنید، نظریه‌های کلان همچنان برقرار است و در واقع نقادی جدی ای اتفاق نمی‌افتد؛ مثل اینکه یک رودخانه را از سرچشمه نبینید. بنابراین اگر در نظریه پردازی، نظریه‌های کلان مدنظر قرار نگیرد در نظریه‌های متوسط و خرد نمی‌توان اصلاحات اساسی انجام داد. لذا یکی از کارهای مهم شورای متون و نقدهایی که در آن صورت می‌گیرد به نظریه پردازی مربوط می‌شود.

آیا این همان رویکرد جدیدی است که در شورای بررسی متون در خصوص نقد کتب اصلی و جریان ساز دنبال می‌شود؟

بله، در هر رشته از علوم انسانی یک سری کتب، مرجع و مادر هستند و به عنوان منبع اصلی قلمداد می‌شود. این کتب مرجع اگر خوانده نشود و مورد نقد قرار نگیرد، کتاب‌های فرعی کارساز نیست چرا نظریه اصلی در همین کتب مطرح شده و در کتب فرعی و حاشیه ای هم امتداد یافته است. بنابراین شناسایی این کتب اصلی و مرجع کار اصلی شورا است که بتواند نظریه و فضای اصلی را تشخیص دهد و نقد کند. چنین فضا سازی به شما وسعت ذهنی می‌دهد که از جاده یک طرفه خارج شوید و در همین جا است که آزادی واقعی در اندیشه رقم می‌خورد و به شما قدرت نظریه پردازی می‌دهد.

در واقع نظریه پردازی نتیجه نقد نظریات مرجع است؟

البته نه اینکه یکی تقدم داشته باشد بلکه یک حالت رفت و برگشتی بین نظریه پردازی و نقد نظریه وجود دارد. یعنی شما اول یک نقدی به ذهن تان می‌آید و بعد به یک طرح بزرگتر می‌رسید و باز بر آن طرح بزرگتر نقد وارد می‌کنید. به عبارتی باید یک طرح بزرگ تر وجود داشته باشد تا نقد علمی و جدی صورت بگیرد و گرنه اگر نقدی داشته باشید اما طرحی نداشته باشید نقد جزئی می‌شود و چندان جدی پیش نمی‌رود. بالاخره شما باید وارد میدان شوید تا طرح بزرگتری شکل بگیرد و یک حالت بده بستان بین این دو بخش وجود دارد.



شورای متون چگونه می تواند مسیر تحول علوم انسانی را هموار سازد؟

نقد پشت درهای بسته منجر به تحول نخواهد شد

جهان اسلام در حال رخ دادن است از قوت کافی برخوردار نیستیم. این وضعیتی است که می توان گفت، حاصل آن این است که در علوم انسانی دیدگاه تازه ای شکل نمی گیرد. ورود به مباحث علوم انسانی مدخلی می خواهد، همچون دریایی که باید بسایقایی خود را به میانه آن برسانی و برای خودت راهی پیدا کنی و ما قطعاً راه داریم؛ ایده هایی که در سنت تاریخی مان در گفتمان انقلاب و در مواجهه با مسائل انسانی-اجتماعی داریم، آن قدر بدیع، غنی و مولد هستند که بتوانند به مباحثات تازه منجر شوند. بازخوانی انتقادی ای که اعتبارش تضمین شده است، راهی برای این است کسی که وارد این عرصه می شود بداند کجا می رود. گویی یک تصویر هوایی از ماجرا پیدا کند و بداند الان کجاست و کجا می خواهد برود. در ایران خیلی از اوقات اصحاب علوم انسانی ما از داشته های خودمان بی خبرند، چون زمینه آن پیش نیامده که کتاب های خودمان را بخوانند. بازخوانی علمی این کتاب ها راهی است برای بازگشت به سنت خودمان و پیدا کردن راه تازه از آن. جایگاه شورای بررسی متون از همین حیث مهم و حساس است، یعنی اگر شورای بررسی متون به رسالت خودش بپردازد و بتواند مدخل ورودی پژوهشگران، استادان و دانشجویان به مباحث حوزه علوم انسانی را به نحو تضمین شده فراهم کند، مسیر مهمی را برای تحول علوم انسانی هموار کرده است و ما از این حیث برای ارتقاء و تحول علوم انسانی باید به جایگاه شورای بررسی متون توجه ویژه کنیم.

با توجه به توضیحات شما در مورد رسالت و فعالیت های شورا، ارزیابی شما از فعالیت های پیشین شورا چیست؟

شورای بررسی متون یک نهاد نسبتاً سابقه دار در میان نهادهای مربوط به حوزه علوم انسانی پس از انقلاب است. ما شورای تحول علوم انسانی را داریم که از حدود سال ۱۳۸۸ در شورای عالی انقلاب فرهنگی شکل گرفت، اما سابقه شورای بررسی متون به دهه هفتاد باز می گردد و از قضا خیلی هم مورد توجه بوده است. در این سال ها شورا دو دیدار با رهبر معظم انقلاب داشته است که خود نشان دهنده جایگاه بالای آن است. شورا یک نهاد ریشه دار و مؤثر در فضای علوم انسانی است. از آنجا که شورای بررسی متون در نیمه دهه هفتاد

علوم انسانی در دنیا برقرار است و اتفاقاتی که در حال رخ دادن است، ما با وجود سنت تاریخی مان و رویکرد خاصی که در سنت تاریخی خودمان در مورد انسان و تأمل در مورد انسان داریم، نتوانستیم جایگاه درستی برای خودمان پیدا کنیم و همواره گویی با ترس یا با بی اعتنایی با مسئله علوم انسانی مواجه شدیم.

ممکن است درباره این گزاره که «علوم انسانی در کشور ما از مسائل زیادی رنج می برد»، بیشتر توضیح دهید؟

برای نمونه، یکی از مشکلات ما در علوم انسانی این است که غیر از تعدادی از استادان برجسته، بسیاری از اصحاب علوم انسانی، «کتاب های اصلی و دست اول علوم انسانی» را نخوانده یا کمتر خوانده اند یا از بسیاری جهت گیری های متفاوت که در دنیا ذیل مسائل مختلف علوم انسانی شکل گرفته است، اطلاع کافی ندارند. از طرفی گاهی یک جریان در علوم انسانی به شدت رشد می کند و جریان های مقابل و جریان هایی که با آن گفت و گو می کنند، نادیده گرفته می شوند.

مسئله دیگر فاصله زبانی است؛ از آنجا که معمولاً محققین ما فقط با زبان انگلیسی آشنا هستند، طبیعتاً بیشتر مباحثاتی که در حوزه انگلیسی زبان در علوم انسانی مطرح است، دیده می شود و بسیاری از مباحثاتی که در زبان های دیگر اتفاق می افتد، دیده نمی شود. از حیث دیگری ما در این زمینه در ارتباطات منطقه ای نیز ضعف داریم. یعنی در مورد گفت و گوهایی که در بحث های مربوط به منطقه و

«شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی» به عنوان نهادی با سابقه ۲۷ ساله در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی که با رویکرد تقویت تفکر انتقادی در بدنه علوم انسانی و نقد وضعیت موجود علوم انسانی تأسیس شده است، از تأثیرگذارترین نهادها در فضای علوم انسانی کشور است. به جهت اهمیت این شورا و با توجه به تغییر و تحول های شورا پس از شروع دوره ریاست جدید پژوهشگاه، برای اطلاع از اهداف و چشم انداز جدید آن با دکتر محمد حسن نیلی، به عنوان نماینده رئیس پژوهشگاه و رئیس دبیرخانه شورای بررسی کتب و متون علوم انسانی گفت و گو کرده ایم. دکتر نیلی در این مصاحبه با تأکید بر این که نقد متون علوم انسانی باید در حوزه عمومی صورت بگیرد، به برنامه جدید شورا در نقد کتب تراز و جریان ساز اشاره کرد که مشروح آن از نظر می گذرد.

III

بعد از تغییر ساختار پژوهشگاه و همین طور تغییر ریاست پژوهشگاه به نظر ضروری می رسد که با جناب عالی به عنوان نماینده رئیس پژوهشگاه در دبیرخانه شورای بررسی کتب و متون علوم انسانی گفت و گویی داشته باشیم تا هم خوانندگان مصاحبه در جریان فعالیت ها، تحولات و برنامه های این دبیرخانه قرار بگیرند و هم اعضای پژوهشگاه و محققین خارج از پژوهشگاه با فعالیت شما آشنایی پیدا کنند. به نظر شما شورای بررسی متون چه جایگاهی در پیشبرد و تحول علوم انسانی در کشور دارد؟ در ابتدا قبل از اینکه بخواهیم از جایگاه شورای بررسی متون در وضعیت توسعه و تحول علوم انسانی در کشور صحبت کنیم باید تحلیلی از وضعیت علوم انسانی در ایران داشته باشیم و اینکه چه اتفاقی در این عرصه در حال روی دادن است. علوم انسانی در کشور ما از مسائل زیادی رنج می برد و به نحوی نتوانسته است موقعیت خودش را پیدا کند. اما اگر بخواهیم روی نقاط اصلی مسئله علوم انسانی متمرکز شویم، یکی از مهمترین نکات اصلی در این عرصه این است که در بسیاری از موارد پژوهشگران حوزه علوم انسانی وارد مسائل اصلی این حوزه نمی شوند یعنی به نحوی با فاصله درگیر مسائل علوم انسانی می شوند. باید گفت، با در نظر گرفتن مباحثاتی که در عرصه

سابقه شورای بررسی متون به دهه هفتاد باز می گردد و از قضا خیلی هم مورد توجه بوده است. در این سال ها شورا دو دیدار با رهبر معظم انقلاب داشته است که خود نشان دهنده جایگاه بالای آن است



تمدن و دکتر محمد تقی طباطبایی استادیار دانشگاه تهران برای گروه فلسفه دعوت ما را پذیرفتند. به طور کلی تلاش شده طیفی از استادان برتر و نوآور از دانشگاه‌های مختلف مورد توجه واقع شوند که همگی صاحب دیدگاه و نوآور در عرصه خود هستند.

در مورد دبیران هم محققین جوان و اندیشمندی در این عرصه قبول زحمت کردند؛ از جمله دکتر اباصالح تقی‌زاده برای گروه علوم سیاسی، دکتر علیرضا شفاه برای گروه مطالعات علم و فناوری، دکتر سیدعلی متولی امامی برای گروه تاریخ و تمدن، دکتر علیرضا بلیغ برای گروه علوم اجتماعی، آقای سیدعلی کشفی برای گروه مدیریت و سیاستگذاری، دکتر مرتضی سلمان‌نژاد برای گروه الهیات، دکتر داریوش کیوانی برای گروه فقه و حقوق، دکتر محمدرضا هدایتی برای گروه فلسفه و دکتر حبیب حبیبی نیکجو برای گروه اقتصاد که همگی پژوهشگران و محققینی هستند که مجدانه در حوزه‌های علمی خود مشغول فعالیت بوده‌اند.

یکی از مهم‌ترین تحولات شورا، شکل‌گیری شورای دبیران بوده است؛ شورای دبیران برای هم‌آهنگ کردن گروه‌ها به گفت‌وگوی علمی می‌پردازد تا آهنگ آموزشی از شورای بررسی متون به گوش برسد و با وجود تفاوت موضوعی حرکت واحدی در جریان باشد. تغییری هم در گروه‌ها نسبت به وضعیت قبلی شکل گرفته است. تحول اول، این است که گروه‌ها فراتر از رشته محوری، مسئله‌محور شده‌اند. تحول دیگر هم کوچک و چابک کردن گروه‌ها بود. به این ترتیب انتظار داریم در جلسات و اساساً به طور کلی در روند تعریف‌شده برای شورای بررسی متون، کیفیت فدای کمیت نشود و با تغییر شکل گروه‌ها و تغییر موقعیت دبیران، اعضاء و تغییر در رؤسای گروه‌ها به هدف ارتقاء کیفیت و اثرگذاری بر فضای علوم انسانی کشور دست یابیم.

علاوه بر بحث‌های تحول ساختاری که به ادغام گروه‌ها اشاره کردید، آیا تحول ساختاری دیگری هم در برنامه‌های آتی در نظر دارید که در موردش صحبت کنید؟

یکی از مهمترین اتفاقاتی که ما به دنبال آن هستیم و پیش از این اشاره شد بحث پُر تال بود این به نحوی محور تحولی ماست. چون اگر جایی نباشد که خروجی‌های نقد دیده شود، فایده چندانی بر این فعالیت‌ها مترتب نیست. در نتیجه، پُر تال برای ما مؤلفه‌ای محوری در برنامه تحول است. البته در این زمینه هم دچار مشکل اقتصادی هستیم. در هر صورت، به غیر از چالش مالی یک اقتضای به بهره‌برداری رساندن پُر تال، اصلاح وضعیت داورى مقالات است و ما نیاز به یک سامانه داورى معتبر و چندمرحله‌ای داریم که در هر مرحله ارزیابی کیفی محتوایی جدی صورت گیرد و توجه لازم در ارزیابی کتاب‌ها، نویسندگان و فرایند داورى وجود داشته باشد.



نیست و صرفاً انباشت و انبار شده است. در حالی که نقد پشت درهای بسته طبیعتاً منجر به هیچ تحولی نخواهد شد. بنابراین، یک کاستی مهم، فقدان توجه کافی به حوزه عمومی بوده است.

با توجه به توضیحی که درباره صدور احکام شورا ارائه شد، اگر توضیح بیشتری در مورد مدیران، دبیران و فعالیت گروه‌ها در دوره جدید دارید بفرمایید.

خدا را شکر، استادان برجسته، خلاق و صاحب‌نظری در عرصه علوم انسانی دعوت ما را پذیرفته‌اند. البته استادان گذشته نیز همگی از استادان برتر عرصه علوم انسانی بودند، اما برای تحقق تغییرات در شورا نیازمند حضور استادان با ذهنیت‌های جدید بودیم. در دوره جدید گروه‌های شورای بررسی متون به ۹ گروه کاهش پیدا کرد که به امید خدا در سال آینده، سه یا چهار گروه دیگر به این تعداد اضافه می‌شوند، بسیاری از گروه‌های سابق با یکدیگر ادغام شد، به عنوان مثال گروه انسان‌شناسی در علوم اجتماعی ادغام شد یا گروه مطالعات علم و دین و روش‌شناسی علوم انسانی در گروه جدید مطالعات علم و فناوری ادغام شد یا گروه باستان‌شناسی و تاریخ در قالب گروه جدید تاریخ و تمدن ادغام شدند.

درباره مدیران گروه‌ها، دکتر غلامرضا خواجه‌سروی، استاد دانشگاه علامه طباطبایی برای گروه علوم سیاسی، دکتر عادل پیغامی دانشیار دانشگاه امام صادق برای گروه اقتصاد، دکتر سیدحسن حسینی، دانشیار دانشگاه شریف برای گروه مطالعات علم و فناوری، دکتر محمد مهدی الشریف، استاد دانشگاه اصفهان برای گروه فقه و حقوق، دکتر مجید معارف استاد دانشگاه تهران، برای گروه الهیات، دکتر سعید زاهد زاهدانی استاد دانشگاه شیراز برای گروه علوم اجتماعی، دکتر حمیدرضا فروتک زاده دانشیار دانشگاه مالک اشتر برای گروه مدیریت و سیاستگذاری، دکتر حبیب‌الله بابایی استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی برای گروه تاریخ و

شکل گرفته است، بر اساس موقعیت آن زمان، اقتضائاتی را دنبال می‌کرده است. مهمترین هدف شورا کتب درسی علوم انسانی بوده است، یعنی تمرکز بر کتاب‌های درسی دانشگاهی بوده است و در مرتبه بعد بعضاً بر کتاب‌های پژوهشی، کتب تراز و جریان‌ساز و حتی کتب عامه‌پسند در علوم انسانی یا کتاب‌های درسی مدارس نیز توجه شده است. در تصور آن زمان و گفتمان حاکم بر تحول علوم انسانی که پس از انقلاب، بیشتر مورد توجه بوده است، تحول علوم انسانی را بیشتر از طریق تحول برنامه درسی دنبال می‌کردند. یعنی ایده‌آل این بود که با تغییر برنامه درسی، تحول علوم انسانی و تربیت دانشجویان اتفاق می‌افتد. اما به تدریج هم نقض این دیدگاه روشن شد و هم امکان آن از بین رفت. یعنی در حال حاضر وضعیت علوم انسانی در کشور به گونه‌ای نیست که یک نهاد، کتاب درسی منتشر کند یا به نحواز پیش تعیین شده‌ای کتاب‌ها معلوم باشد، بلکه منابع درسی خیلی استادمحور است و نمی‌توان کتاب‌های مشخص و ناشر مشخص تعیین کرد؛ مثلاً آن‌طور که قبلاً انتشارات سمت چنین موقعیتی داشت. از طرفی چنانکه ذکر شد موضوع و رسالت درستی که شورای بررسی متون با توجه به تحول علوم انسانی می‌تواند دنبال کند این است که مدخلی برای ورود به بحث‌های علوم انسانی فراهم کند لذا فعالیت‌ها بدون توجه به حوزه عمومی بوده است.

می‌توان گفت یکی از ایرادات اصلی وارد به شورا در دوره قبل کم‌توجهی به حوزه عمومی بوده است، یعنی مخاطب این کاری که با نقد و بازخوانی کتاب در حوزه علوم انسانی انجام می‌دهیم، کیست؟ مخاطب باید حوزه عمومی نخبگان علوم انسانی باشد و نه صرفاً نویسندگان یا ناشر یک کتاب. بسیاری از ارزیابی‌های کتاب‌هایی که انجام شده است، در دسترس عموم علاقه‌مندان در حوزه عمومی نیست که بتواند جریان نقد علمی را تقویت کند. یعنی ما انبوهی از داشته‌های دانشی در این عرصه داریم که دسترسی به آن ممکن



برنامه‌های پژوهشی



برنامه پژوهشی گروه مدیریت و سیاست گذاری

یک دانش: جستار وحدت در دانش‌های مدیریت و سیاست‌گذاری

را آمریکایی کنیم و نه تنها صوری، یعنی صرفاً زبانش را، بلکه از ریشه نیز: اندیشه و اصل و هدفش را. باید قانون اساسی ما را با قلبش فرابگیرد؛ باید تب بوروکراتیک را از رگ‌هایش بیرون کند؛ باید بسی هوای آزاد آمریکایی استنشاق کند.

در این جا ویلسون کیفیت از بودن یک ملت را در اساس دانش، در قلب آن، طلب می‌کند. مدیریت دولتی اگر چه از نظر او جدایی اداره از سیاست است، و بنابراین به نظر واجد اصولی عینی و جهان شمول می‌آید، اما در بنیادگذاری اش کاملاً آمریکایی است.

■ در هم گامی با شکل‌گیری آن چه شاید بتوان نظریه مدیریت خواند، در ۱۹۱۱ با «اصول مدیریت علمی» (The Principles of Scientific Management) ۱۹۱۱ فردریک وینسلو تیلور برمی‌خوریم. انگیزه این مهندس مکانیک از طرح اصولی برای به دست آوردن بیشترین نتایج از کار و صنعت چیست؟ «پرزیدنت روزولت در خطاب به حاکمان کاخ سفید، به شکلی پیام‌گونه، چنین گفت: «حفظ منابع ملی ما صرفاً مرحله ابتدایی مسأله بزرگ‌تر بازده

منابع علم مدیریت تنها در تفاوت میان زبان عربی و فارسی است؟ یا این که در اینجا کیفیتی از نحوه بودن در کار است؟

■ عموماً درباره تاسیس علم تصور می‌شود که تاسیس از هیچ آغاز شده؛ نابغه‌ای نشسته و برای نخستین بار اصولی را کشف کرده و علمی را بنیان گذارده است. این تصور دست‌کم درباره وودرو ویلسون پدر علم مدیریت دولتی درست نیست. ویلسون در سخنرانی «مطالعه مدیریت دولتی» (The Study of Administration 1887) آشکارا خود را در مقام اخذ دانش اداره از اروپاییان قرار داده است. اما این اخذ از نظر او چندان هم سرراست نیست: «این علم را پروفسورهای آلمانی و فرانسوی در انداخته‌اند و لذا همه اجزایش موافق نیازهای دولت‌های متراکم است و با اشکال بسیار متمرکز حکمرانی مناسب یافته است؛ و حال آن که باید این علم، برای پاسخ به مقاصد ما نه بر وفق دولتی ساده و متراکم، که بر محک دولتی پیچیده و چندشکلی در آید و با صور بسیار نامتمرکز حکمرانی تناسب یابد. اگر ما می‌خواهیم آن را به کار گیریم، باید آن

دکتر حمیدرضا فرتوک زاده

مدیر گروه مدیریت و سیاست‌گذاری شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی

سیدعلی کشفی

دبیر گروه مدیریت و سیاست‌گذاری شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی

■ آنچه را دانش مدیریت و سیاست‌گذاری می‌خوانیم به چه اعتبار یک دانش است؟ آیا یک دانش است چون درباره عملکرد سازمان‌ها، چه این سازمان‌ها تجاری باشند چه صنعتی باشند چه مالی باشند چه دولتی، می‌پردازد؟ یا چون به مدیر فارغ از محتوای آن، یعنی مدیر دولتی بودن یا مدیر تجاری بودن یا مدیر صنعتی بودن، به عنوان یک حرفه می‌نگرد؟ بنابراین اگر دانش مدیریت و سیاست‌گذاری یک علم عینی است چرا برخی از کشورها از سایرین قدرت‌مندتر اند در حالی که دیگر امروز همه به آن منابع علمی دسترسی دارند؟ آیا مشکل تنها در ترجمه است - یعنی مثلاً ما فارسی‌زبانان در ایران نتوانسته ایم به دقت منابع علم مدیریت و سیاست‌گذاری را ترجمه کنیم و آن را به درستی اخذ کنیم؟ در این صورت تفاوت میان ترجمه یک مصری از منابع علم مدیریت با ترجمه یک ایرانی از



ملی است»، بازده ملی نگرانی عمده و هدف مهم تیلور است. تیلور تأکید می‌کند که فرد «کارآمد» به بازده ملی خواهد رسید؛ و فرد کارآمد زمانی پرورش خواهد یافت که «سیستم علمی» اولویت داده شود. این رابطه را، یعنی رابطه اندیشه و آموزش دانش مدیریت با نحوه بودن یک ملت را، در خلال آثار «اسطوره‌ها»ی دیگر نظریه مدیریت و سازمان نیز می‌توان دنبال کرد. اما در نقاط نهایی طیف ایده مدیریت، یعنی آن‌جا که دانش مدیریت معطوف به موفقیت فردی است و ظاهراً تعهد اجتماعی ندارد چه؟

پیتر دراگر را در منابع عمومی تر و عامه‌پسند به عنوان پدر مدیریت نوین می‌شناسند. او را مرجع مراجع در گفتاری از مدیریت خوانده‌اند که در نیمه دوم قرن بیستم به تدریج فراگیر شده و به عنوان شیوه‌ای از تدبیر امور فردی، سازمانی و ملی که «موفقیت» را هدف اصلی خود قرار داده وسیعاً مورد توجه بوده است. دراگر در کتاب تأثیر گذار و مهم خود «عمل مدیریت (The Practice of Management 1955)»، مسئله مهمی مطرح می‌کند. مسئله‌ای که در نقل قول‌های پراکنده از او در زبان فارسی، در قالب کتاب‌های پر فروش مدیریت و کارآفرینی و بازاریابی و اصول رهبری و فنون مذاکره و الخ، عموماً مغفول است. او می‌گوید: بقای دنیای آزاد از نظر نظامی و اقتصادی بستگی به «مدیریت» خواهد داشت و حفظ موقعیت اقتصادی برتر ایالات متحده وابسته به عملکرد پیوسته در حال بهبود مدیریت است. آشکار است که منظور از دنیای آزاد شکلی از زندگی و سیاست است که در آمریکا به نهایت ظهور رسیده و دراگر تمنای تداوم آن را دارد.

اهمیت این مسئله در این نیست که فی‌المثل نشان می‌دهد دانش مدیریت یک علم آمریکایی است، یا اینکه مدیریت نوین از اساس به گفتار نئولیبرال تعلق دارد؛ که می‌تواند داشته باشد. بلکه آنچه که احتمالاً و عمدتاً درک نمی‌شود آن است که چگونه توصیه‌های مدیریت نوین و دراگر، هرچند در مقام راه‌های جستجوی موفقیت عمیقاً فردگرایانه و یا حتی ضد اجتماعی به نظر رسند، ارتباطی با ساخت «قدرت ملی» آمریکا دارند.

آنچه اینجا باید مورد توجه قرار گیرد رابطه علم و آموزش و قدرت ملی است. به این ترتیب هر قدر هم افراد یا سازمان‌ها در رقابت یا همکاری با هم باشند باز هم به نحوی آن چیزی که تغذیه می‌شود همان قدرت ملی است - آیا اساساً رقابت در این وضعیت می‌تواند «افسار گسیخته» لقب بگیرد؟!

در اینجا دانش، ساخت آموزش و ساخت قدرت پیشاپیش واجد ائتلاف و هماهنگی اند. چنان پیوند و هم‌سازی که آنانی که خواسته اند صدای قربانیان این وضعیت مسیطر باشند، یعنی همان بقایای مهاجر چپ از اروپا، همواره نسبت به آن

واکنش و هشدار داده اند. بماند که تنش این صدا هم در نهایت ساخت آن وضعیت را تقویت کرده است.

در ایران وضع اما متفاوت است. دانش مدیریت هر قدر توانسته باشد راه‌های موفقیت را به افراد یا سازمان‌ها نشان دهد، نتوانسته است طرحی از قدرت ملی پیشنهاد کند. بلکه در مواردی توصیه‌هایش در سطح ملی منجر به بروز فجایعی ماندگار شده است.

این وضعیت از آن رو نیست که مثلاً دانش مدیریت به سطح خرد نظر دارد و فاقد ابزارهایی برای طرح‌های کلان‌نگرانه است. یا حتی به این دلیل نیست که عمل مدیریت سیاست‌زدایانه و اداره کشور سیاسی است؛ که باید باشد. بلکه مربوط به این می‌شود که مدیریت در ایران در اساس و بنیاد خود از درک «قدرت ملی ایران» گسیخته است. ریشه‌های دانش مدیریت در ایران «پی‌وند»ی با طرح از قدرت ملی ایران ندارد.

اینجا مسئله فقط مربوط به ساحت حقایق نیست تا با طرح‌های جایگزین از حقیقت جبران شود، طرح‌هایی از حقیقت که در تمامی دهه‌های پیشین در دستور کار اداری دانش قرار داده ایم؛ مدیریت اسلامی، مدیریت بومی، مدیریت جهادی و... معنی این دعوی این نیست که باید از تلاش‌های مفهومی دست کشید. بلکه باید درون همان طرح از حقیقت که به نام دانش مدیریت می‌شناسیم به کرانه‌ها و مرزهایی دست یابیم که بتوان ریشه‌های قدرت ملی را در آنجا دیدار کرد و در مرحله بعد این کرانه‌ها و مرزها را مفهوم (Conceptualised) ساخت.

چنین عمل انتقادی/اکتشافی در ساخت آموزش مدیریت ایران کاملاً در حاشیه است اگر نگوییم مطلقاً وجود ندارد. نتیجه آنکه ساخت آموزش ما نه تنها نمی‌تواند کسانی را پرورش دهد که از قدرت ملی درکی علمی دارند، بلکه از پرورش واقعی «مدیران ایرانی» ناتوان است. علاوه بر این و مهم‌تر آن که چون آن چنان عمل انتقادی/اکتشافی

در دستور کار ساختار آموزش مدیریت نیست، دانشکده‌های مدیریت محل اجتماع و ائتلاف واقعی و سازنده اساتید مدیریت نیز نیستند. در فقدان چنین اجتماعی است که دانشکده‌های مدیریت نمی‌توانند از ظهور شبه‌پیامبرانی که به نام مدیریت، مذهب پولساز «موفقیت» را در حاشیه دانشگاه یا در بازار مکاره و رهاشده‌ی گفتارهای مدیریتی تبلیغ و ترویج می‌کنند، جلوگیری کنند.

مسئله فقط این نیست که دانشگاه از پرورش دانشجویانی که به قدرت ملی تعهد دارند عاجز است. بلکه مسئله احتمالاً این است که قدرت ملی تنها در مقام یک تعهد، تعهدی خارج از نظام دانش و تحمیل شده به آن، در دانشگاه حضور دارد؛ هم‌چنان که تعهد ملی در نظام اقتصادی تبدیل به تکالیف و دستوراتی می‌شود که خارج از منطقی عمل مدیریتی سازمان‌ها به آنها دیکته می‌شود، یعنی پیگیری اقتصاد ملی به اقتصاد دستوری فروکاسته می‌گردد. مسئله این است که طرح قدرت ملی در پی‌رنگ همکاری علمی و سیاسی و اداری اهل علم حضور ندارد، اگر اصلاً چنین همکاری وجود داشته باشد.

برنامه‌های گروه

بنابراین برنامه ما باید چندین سطح داشته باشد: الف. بازخوانی اکتشافی و انتقادی متون جریان ساز و سنت‌ساز در مدیریت و سیاستگذاری به منظور شناسایی آن کرانه‌هایی که بتواند فهمی از قدرت ملی را ممکن کند.

ب. معرفی متون اصیل در علم مدیریت که در جریان آموزش دانشگاهی مدیریت و گفتار عمومی مدیریت در ایران مغفول یا در حاشیه اند.

ج. بازخوانی انتقادی ساختار و جریان آموزش دانشگاهی مدیریت

د. ایجاد یک هسته همکاری علمی متشکل از اساتید مدیریت به سوی یک اجتماع علمی در سطح دانشگاه‌های کشور

ه. ایجاد یک سکوی (پلتفرم) گفت‌وگو که بتواند جست‌وجوی رابطه میان دانش و قدرت ملی را درون دانشکده‌های مدیریت آغاز کند و در ادامه این جست‌وجو را به دانشکده‌های دیگر رشته‌های دانشگاهی تسری دهد. چنین سکویی می‌تواند در همکاری میان گروه مدیریت و سیاستگذاری شورای بررسی متون و گروه فلسفه این شورا طراحی، پایه‌ریزی و اجرا شود.

اعضای گروه

رئیس گروه: دکتر حمیدرضا فرتوک زاده

دبیر گروه: سیدعلی کشفی

اعضای گروه: دکتر علینقی مشایخی، دکتر

کیومرث اشتریان، دکتر سیدمجتبی امامی، دکتر

جواد وزیری

دانش مدیریت در ایران هر قدر توانسته باشد راه‌های موفقیت را نشان دهد، نتوانسته است طرحی از قدرت ملی پیشنهاد کند. بلکه در مواردی توصیه‌هایش در سطح ملی منجر به بروز فجایعی ماندگار شده است



برنامه پژوهشی گروه الاهیات

گذار از الاهیات گسسته به الاهیات اجتماعی

بسیار با آنچه در جوامع اسلامی با آن مواجهیم، متفاوت است.

گرچه تحولات الهیات مسیحی در غرب، هم به لحاظ دوره زمانی و هم به لحاظ کمیت کارهای صورت گرفته، دارای شتاب بیشتری نسبت به شرق و دنیای اسلام بوده است، این بدان معنا نیست که هیچ حرکتی در الهیات اسلامی شکل نگرفته است. آری می‌توان این چنین قضاوت داشت که متکلمان و مفسران پیشین در نسبت با دوره اخیر با نگاه فردگرایانه به توضیح و تفسیر آموزه‌های دینی می‌پرداختند و اگر دستور یا قانونی را استخراج می‌کردند، تنها از این منظر که وظیفه فرد چیست و چه باید بیاندیشد و عمل کند تأمل می‌کردند، اما اینکه پیامد این آموزه‌ها چیست و شرایط اجتماعی چه اقتضائی دارد، در سطح کلان و جامعه و جهان چه می‌گذرد و وظیفه مسلمان در این اوضاع تحول یافته چیست، کمتر جایی برای ظهور و بروز داشت. اما در طی یک و نیم سده اخیر، همگام با برآمدن جریان‌های اسلامگرا و گرونده به بازگشت

و با تمرکز بی‌بدیل از سوی کنشگران اعم از اساتید و اعضاء هیأت علمی و دانشجویان و پژوهشگران آن رشته، به مطالعه، تحقیق و پژوهش ناظر به مسائل و موضوعات مرتبط می‌پردازند، این در حالی است که الزاما از حوزه‌های یکدیگر نه اطلاع کافی دارند و نه به صورت جمعی و با در نظر گرفتن انباشت دانش الهیاتی به حل مسئله می‌پردازند. شاید بتوان گفت الاهیات گسسته در تقابل با الاهیات اجتماعی، معنادارتر و البته درک پذیرتر است.

بی‌تردید خاستگاه اصلی طرح الاهیات به معنای theology و ارائه الاهیات اجتماعی، مغرب زمین و در فضای مسیحیت است. الهیدانان مسیحی در دو قرن اخیر، تمام هم و غم خود را در تأسیس و توسعه شاخه‌ای از الاهیات که مسائل و معضلات اجتماعی را تحت پوشش قرار می‌دهد، به کار گرفته‌اند. به نحوی که در سال‌های اخیر انبوهی از آثار و ادبیات حول الاهیات اجتماعی پدیدار شده است. ناگفته نماند که فضای گفتمانی و صورت مسائل ایشان

دکتر مجید معارف

مدیر گروه الاهیات شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی

دکتر مرتضی سلمان نژاد

دبیر گروه الاهیات شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی

اگر بخواهیم با تعریفی روشن از واژگان کلیدی به کار رفته در عنوان، بحث را آغاز کنیم، باید گفت مراد از «الهیات اجتماعی» روایتی از دانش الهیات است که به حیات اجتماعی انسان و لوازم و تبعات آن چون حکومت و دولت، اقتصاد، تعلیم و تربیت، خانواده، هنر و ورزش، آیین‌ها و مناسک دینی و ... می‌پردازد. به عبارت دیگر بررسی الهیاتی جامعه و نهادهای جامعه و بررسی و ارزیابی الهیاتی پدیده‌ها و مسائل اجتماعی را الاهیات اجتماعی نامیده‌اند. «الهیات گسسته» خودساخته‌ای از سوی نگارنده مبنی بر توصیف اکنون رشته الاهیات در جامعه دانشگاهی ایران است. وضعیت‌ی که تک تک رشته‌ها اعم از فلسفه، کلام، قرآن و حدیث، فقه و مبانی حقوق، ادیان و عرفان، اخلاق اسلامی، تاریخ تمدن و فرهنگ ملل اسلامی و ... کاملاً تخصصی



به ارزش های دینی در جهان اسلام، رویاورد به فهم قرآن و شناخت مقام قرآن نیز در میان مسلمانان فزونی گرفته است. با وجود تفاوت هایی که میان طیف های مختلف اسلامگرا در این دوره دیده می شود، محوریت دادن به قرآن کریم در فهم اسلام و بازخوانی تعالیم آن، از وجوه مشترک بین آنهاست. آنچه جریان های یاد شده را به سوی قرآن کریم و معارف آن سوق داده، نیاز مبرم آنان به این کتاب الهی بوده و این در حالی است که در طی سده های متمادی از آغاز ظهور اسلام تا عصر حاضر، هیچگاه در روند تألیف تفاسیر و کتب پیرامون قرآن فترتی رخ نداده است. آنگاه که اصلاح طلبان و اسلام گرایان عصر جدید برای پاسخگویی به نیازهای زمانه روی به قرآن نهادند، بر این امر کاملاً واقف بودند که جهان اسلام ادبیاتی وسیع و پرمایه در حوزه قرآنی دارد و انتظار آن هم وجود داشت که با همان روند، متون جدیدی در طی سده های ۱۴ و ۱۵ ق نیز تولید گردد. اما نیازها بسیار فراتر از این روند طبیعی بود. چه بیداری جهان اسلام در این دوره، فرصت جدیدی در عرصه های قرآن پژوهی پدید آورد که با نوفهمی هایی از قرآن و سنت دینی همراه شد تا در سایه آن، زندگی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دیگری برای مسلمانان به ارمغان آورد. این نهضت جدید بر آن بود که به جای تأکید بر ابعاد صوری و ادبی و آکادمیک متون دینی، به راه حل های زندگی توجه کند و آموزه های دینی را در متن زندگی مردم قرار دهد و با آنچه که باعث رکود و عقب ماندگی آنان شده به مبارزه برخیزد. بر همین اساس این حرکت، نقش مهمی در آگاهی بخشی اجتماعی مسلمانان و نیز حرکت های آزادی بخشی در میان جوامع تحت ستم و استعمار ایفا کرد.* البته نباید فراموش کرد که جریان های اسلامگرا و بازخوانی ها از اسلام در یک و نیم سده اخیر حاصل تماسی بحرانی و قهری بود که میان مدرنیته آمده از غرب با سنت موجود در جوامع اسلامی پدید آمده بود و خاستگاه های آن به کلی با جریان های برآمده در سده های میانه و متقدم اسلامی متفاوت بود. بر همین پایه باید انتظار داشت که رویاورد این جریان ها به قرآن کریم نیز جهت گیری متفاوتی داشته باشد. ادامه ادبیات تفسیری و علوم قرآنی در مسیر سنت موجود در جوامع اسلامی هر چند پرفایده و مطلوب بود، اما نمی توانست پاسخگوی این نیاز تازه برآمده باشد. در رویارویی سنت با مدرنیته، جهان اسلام و اندیشمندان مسلمان با پرسش هایی بزرگ مواجه بودند که پیشتر برای متفکران مسلمان مطرح نبود پاسخ به آنها تأملاتی بنیادین را می طلبید. اندیشمندان معاصر در راستای پاسخگویی به این پرسش ها، گاه ناچار بوده اند از فهم های سنتی مسلمان در طی قرون از اسلام و قرآن عبور کنند و روی به فهم اسلام در عصر نبوی آورند و گاه کوشش کرده اند تا با درک

عمیق تر مسائل مدرن، به پاسخی اسلامی برای آن دست یابند. به تعبیر دیگر گاه به دنبال آن بوده اند تا گفتمان صدر اسلام را برای گفتمان امروز قابل درک سازند و گاه کوشش داشتند تا گفتمان امروز را به گفتمان صدر اسلام برگردانند و پاسخ پرسش های نوین را در نصوص نخستین باز یابند. با توجه به آنچه یاد شد، گفت و شنودی میان گفتمان عصری با گفتمان صدر اسلام در گرفته که اهمیت میراث میانی، یعنی فهم های تاریخی پدید آمده در طی اعصار از تابعان صحابه تا متأخران را - دست کم برای طیفی از اندیشمندان - به حاشیه رانده و تحت الشعاع قرار داده است. در چنین شرایطی نیاز به روش های جدید برای انجام چنین گفت و شنودی الزامی می نمود.

در فضای ایران اسلامی علاوه بر گفتمان یاد شده در فضای جوامع اسلامی (رویارویی با تمدن غرب)، شاهد تقابل دو گفتمان دینی در دوره پهلوی اول هستیم. گفتمان نخست از دل سنت حوزوی با شاخص روحانیت بود (گفتمان حوزه علمیه) و گفتمان دیگر دقیقاً در تقابل با گفتمان نخست و جهت کنار گذاشتن ایشان با محوریت دانشکده معقول و منقول سربرآورد (گفتمان دانشگاه). البته در دوره های بعدی، از گروه نخست عالمانی مانند شهید مطهری، شهید باهنر، و ... با رویکردی نوگرا به سمت گفتمان دانشگاهی رفتند و تقاطعی بین این دو گفتمان نیز رخ داد. در دوره انقلاب اسلامی نیز شعار وحدت حوزه و دانشگاه نیز در این فضا و جهت نزدیکی و تقاطع حداکثری این دو گفتمان ظهور و بروز کرد.

در جامعه علمی امروز کشور به ویژه در گفتمان دانشگاهی، شاهد الیهات گسسته ای هستیم که در قالب رشته های تفکیک شده و به صورت جزیره ای صاحبان و کنشگران هر رشته با اهتمام جدی در پی صورت مسئله جزئی در حوزه تخصصی خود هستند. نه قرار است الزامات تقاطعی بین این جزایر رخ دهد و نه قرار است ارتباط نظام مندی با فضای عمومی جامعه و ناظر با مسائل کشور

برقرار گردد. از آن سو نیز نهاد روحانیت نیز با فاصله قابل توجهی البته با حاکم کردن گفتمان فقهی به راه خود ادامه می دهد و به رغم ادعاهای مبنی بر پاسخگویی به نیازها و مسائل اصلی کشور در موضوعات متعدد، الزاماً به پاسخ های قانع کننده ای در برخی مسائل دست نیافته است.

برنامه های گروه الهیات

با عنایت به فضاهای یاد شده در سطوح ملی و جهانی گروه الهیات و ادیان شورا قصد دارد تا با تأکید بر روی محورهای یاد شده نقش اساسی خود را جهت گذار از وضعیت موجود به بازسازی الهیات اجتماعی با تکیه بر نصوص، علوم و فرهنگ اسلامی و ناظر به حل مسائل ملی بپردازد.

- نقد روشمند رهاورد الهیات معاصر غربی (که مبتنی بر گفتمان مسیحیت تولید شده است و الزاماً با فرهنگ اسلامی تطابق ندارد)؛

- تلاش برای صورت بندی «الیهات اجتماعی» از رهگذر واکاوی مفاهیم، اصطلاحات و نظریه های علوم انسانی و اجتماعی در نصوص دینی به ویژه قرآن کریم؛

- مطالعه و سنجش فاصله های الیهات گسسته تا الیهات اجتماعی در فضای ایران معاصر؛

- مطالعه و نقد و بررسی شاخه های فعال الیهات اجتماعی در ایران (اعم از الیهات سیاسی/ الیهات سایبر/ الیهات محیط زیست و ...)

- تبیین تفاوت الیهات اسلامی با الیهات سکولار (دنیوی کردن دین/ سوء استفاده از زبان دینی) از رهگذر نقد و بررسی؛

- ضرورت بازخوانی و نقد الهیدانان معاصر اسلامی در گستره جغرافیای اسلامی معاصر.

اعضای گروه

رئیس، دبیر و اعضای گروه الهیات و ادیان (به ترتیب حروف الفبا):

رئیس گروه: جناب آقای دکتر مجید معارف

دبیر گروه: دکتر مرتضی سلمان نژاد

اعضاء گروه: حجت الاسلام دکتر رضا برنجکار (پژوهشگاه قرآن و حدیث)، دکتر احمد پاکتچی (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، دکتر علیرضا شجاعی زند (دانشگاه تربیت مدرس)، دکتر منصور معتمدی (دانشگاه فردوسی مشهد).

پی نوشت:

* از منظر شهید مطهری، یکی از آثار این حرکت فرخنده، مبارزه با هر آن چیزی بود که جایگاه واقعی دین را تضعیف می کرد و آثار معنوی و منزلت دین را به چالش می کشید؛ مانند رواج خرافات و وابستگی به عقاید سخیف، غلوآمیز و بازمینی در اندیشه سنتی دینی در حوزه های گوناگون، به ویژه حیات اجتماعی و امور حقوقی و مسائل زنان.

الیهات گسسته،
خودساخته ای مبنی
بر توصیف اکنون
رشته الهیات در جامعه
دانشگاهی ایران است.
وضعیتی که تک تک
رشته ها، کاملاً تخصصی
از سوی کنشگرانشان به
مطالعه و پژوهش
می پردازد



تاریخ، طرح ما درباره آینده است

انگاره تعالی: دکتر موسی نجفی
عمق استراتژیک: داوود اوغلو (طرح تمدنی
ترکیه)،
و برخی از مقالات مبسوط داوود اوغلو به زبان
ترکی استانبولی.

ب) کتاب‌های درباره تمدن
آثار منتشر شده (ترجمه و تألیف):
الامه القطب، منی ابوالفضل
جامعه شناسی تمدن
فلسفه الحضاره: اشویتسر
ظرفیت‌های تمدنی علم کلام: محمدتقی سبحانی
نحوه وجودی فرهنگ: سید یدالله یزدان‌پناه
چیستی تمدن: ترجمه: جمعی از نویسندگان
کتاب درسی تمدن اسلامی (آثار علی اکبر ولایتی،
جان احمدی، و ..)

■ **قالب‌های فعالیت گروه تاریخ و تمدن**
فعال سازی نقد‌های گروهی (در قالب
هم‌اندیشی‌های انتقادی)
فعال‌سازی نقدهای شفاهی و تبدیل آن به
پادکست و یا کلیپ‌های علمی - انتقادی
نقد برخی از متفکران تمدنی (علاوه بر آثار)
نوشتن نقدهای چکیده گسترده و تمهید
ترجمه‌های آن به زبان‌های کشورهای اسلامی
برگزاری کارگاه‌های نقد

اعضای گروه

دکتر قاسم زائری (دانشگاه تهران، جامعه‌شناسی
و تاریخ معاصر، ریاست پژوهشگاه فرهنگ، هنر
و ارتباطات)

دکتر مجتبی عبدخدایی (دانشگاه علامه
طباطبایی، روابط بین‌الملل، دولت مدرن و
دولت تمدنی)

دکتر مجید مبلغی (پژوهشگاه علوم انسانی و
مطالعات فرهنگی، علوم سیاسی و تمدن)
دکتر محمدعلی میرزایی (جامعه‌المصطفی،
اندیشه‌های نوین جهان عرب، فلسفه نظری تمدن)
دکتر علیرضا واسعی (پژوهشگاه علوم و فرهنگ
اسلامی، تاریخ و تمدن اسلامی، فلسفه تمدن)
دکتر اصغر منتظر قائم (دانشگاه اصفهان، تاریخ
و تمدن اسلامی)

دکتر حبیب اله بابائی (مدیر گروه)
دکتر سید علی متولی امامی (دبیر گروه)

این گروه در رویکرد
جدید خود، به جای
تمرکز بر گذشته تمدن
اسلامی، در صدد رصد
متون مهم تمدنی در
دنیای امروز اسلام است
تا اینکه بتواند با بررسی
متون اصلی و اثرگذار
تمدنی به بازخوانی و نقد
آنها بپردازد

کتاب‌ها و اندیشه‌ها با رویکرد تمدنی را بیش
از کتاب‌های مربوط به تمدن مورد توجه و نقد
قرار خواهد داد. نسبت میان «علم تاریخ» و «علم
تمدن» نیز در همین محور «رویکرد تمدنی»
منظور خواهد شد. از این منظر، اساساً «علم
تمدن» بسیار شامل‌تر است از «علم تاریخ»، و
البته همه موضوعات تاریخی و حتی تاریخی -
تمدنی نیز در قلمرو مطالعاتی گروه تاریخ و تمدن
قرار نخواهد داشت. شاخص مهم در انتخاب
متون، علاوه بر تمدنی بودن متون، انضمامی
بودن آنها و امتداد راهبردی هر یک از آنها در
ساحت‌های کلان تمدنی جهان اسلام است.
بدون این شاخص، کار علمی و پژوهشی فاقد
سویه‌های اثرگذار تمدنی خواهد بود و در نتیجه
بیرون از رسالت این گروه خواهد ماند.

برنامه‌های گروه

کتاب‌های پیشنهادی جهت سفارش نقد و مرور
انتقادی (طرح‌ها و نظریه‌های نوین تمدنی)

الف) کتاب‌هایی با رویکرد تمدنی

یک کمربند، یک راه (طرح تمدنی چین)
تئوری چهارم سیاست (روسیه و ایده‌های سیاسی
قرن ۲۱): الکساندر دوگین (طرح تمدنی روسیه)
نقشه جدید جهان: دانیل پرگین
صلحی که همه صلح‌ها را بر باد داد: دیوید فرامکین
عصر سکولار، چارلز تیلور
آشوب: جرد دایموند

ایران و راه ابریشم نوین: آرش رئیسی نژاد
دموکراسی آمریکا: توکویل (طرح تمدنی آمریکا)
مقاومت شکننده: جان فوران

دکتر حبیب‌اله بابائی

مدیر گروه تاریخ و تمدن شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی

دکتر سیدعلی متولی امامی

دبیر گروه تاریخ و تمدن شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی

گروه تاریخ و تمدن در شورای بررسی متون در
مرحله جدید از فعالیت‌های خود با رویکردی نو
و متفاوت به بررسی و بازخوانی متون اثرگذار در
عرصه تمدن و تمدن اسلامی می‌پردازد. این گروه
در رویکرد جدید خود، به جای تمرکز بر گذشته
تمدن اسلامی، در صدد رصد متون مهم تمدنی
در دنیای امروز اسلام است تا اینکه بتواند با
بررسی متون اصلی و اثرگذار تمدنی به بازخوانی
و بازفهمی، معرفی و احیانا نقد و بررسی هر یک
از آنها بپردازد و زمینه را برای پژوهش‌های نوآمد
و راهبردی در مواجهه با مسئله‌های جهان اسلام
فراهم آورد. به بیان دیگر، بررسی متون تمدنی
از این منظر و از نظر راهبردی، برای ایجاد تغییر
در مناسبات تمدنی دنیای اسلام پی گرفته می‌شود
تا بلکه بتوان علاوه بر توسعه دانش تمدن و
مطالعات تمدنی، راهی به سمت پیشرفت تمدنی
در دنیای امروز اسلام گشود و طریق تمدن شدن
را هموارتر ساخت. بدین سان نگاه تاریخی به متون
تاریخی در این گروه نیز در راستای همین هدف
و برای ایجاد پلی بین گذشته و حال، و بین حال
و آینده است. با عطف توجه به نکته فوق، باید دو
محور «موضوع تمدن» و «رویکرد تمدنی» را در
مطالعات تمدنی از هم تفکیک کرد. «مطالعات
تمدن» معطوف است به شناخت ماهیت تمدن و
مبانی، عناصر و شاخص‌های آن که باید آن را در
دپارتمان‌های تمدن‌شناسی دنبال کرد، در حالی
که «مطالعات تمدنی» (با رویکرد تمدنی) شامل
مطالعات و پژوهش‌های مربوط به حوزه‌های
اجتماعی و مسأله‌های کلان انسان معاصر در
سطح امت اسلام است. «مطالعات تمدن» را
باید عده قلیلی از متخصصان به آن ورود کرده
و ادبیات تخصصی تمدن را توسعه ببخشند، در
حالی که «مطالعات تمدنی» یا «رویکرد تمدنی»
در مطالعات اجتماعی، مربوط به قشر وسیعی
از متخصصان و حتی غیر متخصصان می‌شود
که باید در اندیشه‌های اجتماعی و بلکه زندگی
روزمره خود آن صبغه و رویکرد را پیاده کرده
و پی بگیرند. اکنون، گروه تاریخ و تمدن در
بررسی و نقد متون مربوطه به هر دو محور فوق
در مطالعات تمدنی ورود خواهد کرد و البته



طرح پژوهشی گروه فلسفه

فلسفه در استدلال و مفاهیم تمام نمی‌شود!

صیوروت، دیالکتیک و ایده‌آلیسم» نیز در حال پیگیری و انجام است. مسئله دیگری که این گروه به آن توجه دارد، طرح روایتی از پژوهش‌ها و مطالعات فلسفی معاصر و تفاسیر فلسفی مهمی است که در دوره معاصر بر متون کلاسیک فلسفه نوشته شده است. طرح این روایت، از خلال بررسی و نقد متون مهم فلسفی صورت می‌پذیرد و دومین مجله نقدنامه گروه فلسفه مبتنی بر آن است.

■ مصاحبه با اساتید فلسفه

یکی از فعالیت‌های مهم گروه فلسفه در جهت پیشبرد برنامه‌های خود، مصاحبه با اساتید برجسته و صاحب‌نظر فلسفه در جهت کسب روایتی از وضعیت فلسفه در زمان معاصر و به‌خصوص ایران است. در این مصاحبه‌ها تلاش می‌شود در گفت‌وگو با برخی اساتید مطرح صاحب‌ایده و پروژه فلسفی، به طرحی از مسئله و موقعیت فلسفه در ایران نزدیک شد.

■ ترجمه Book Review های معتبر

فعالیت دیگر گروه فلسفه، ارزیابی Book Review های منتشرشده در مجلات و وب‌سایت مراکز علمی معتبر دنیا و ترجمه مهم‌ترین آن‌ها در جهت معرفی به مخاطبان فارسی‌زبان است. رصد اولیه و تعیین اولویت‌های گروه فلسفه برای ترجمه این متون در حال انجام است.

■ اعضای گروه

گروه فلسفه مفتخر است که علاوه بر اساتید صاحب‌نظر جوان، از مشورت اساتید پیشکسوت فلسفه نیز برخوردار باشد. اساتید گروه فلسفه شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی عبارت‌اند از: دکتر سیدحمید طالب‌زاده استاد تمام گروه فلسفه دانشگاه تهران، دکتر علی مرادخانی دانشیار گروه فلسفه واحد تهران شمال دانشگاه آزاد اسلامی، دکتر مصطفی شهرآیینی دانشیار گروه پژوهشی فلسفه اسلامی و حکمت معاصر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دکتر سیدمحمدتقی چاوشی استادیار گروه پژوهشی فلسفه غرب پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دکتر فاطمه شهیدی استادیار گروه مطالعات ابن‌سینا موسسه حکمت و فلسفه ایران و دکتر احمد رجبی استادیار گروه فلسفه دانشگاه تهران.

نقادانه است. اساس عقل فلسفی، عقل نقادانه است. نقادانه‌زیستن، نحوی بودن است و اصل محوری فلسفیدن. از همین جهت، توجه نقادانه به آثار و پژوهش‌های مهم فلسفی در تحکیم و رونق کار فلسفی ضرورت دارد و به همین جهت، برای ما اهمیت حیاتی دارد. تقویت جریان نقد، می‌تواند توانش فلسفی ما را بالا ببرد و ما را متوجه ضرورتی کند که اثر فلسفی را ضرورت بخشیده است. فلسفه بدون نقد و نقادی رو به سستی می‌گذارد و از درک ضرورت عاجز می‌ماند.

■ برنامه‌های گروه

■ محور فعالیت‌های گروه فلسفه

بر اساس آنچه بیان شد، طرح روایتی از پژوهش‌های فلسفی معاصر در حوزه فلسفه اسلامی که چه در غرب و چه در کشورهای اسلامی و ایران صورت گرفته، یکی از محورهای مهمی است که این گروه در نظر دارد در فعالیت‌های مختلف خود، به آن توجه داشته باشد. این مسئله، محور اولین شماره مجله نقدنامه گروه فلسفه است.

همچنین به دنبال نگارش اولین مقاله پژوهشی گروه در موضوع نقد و بررسی کتاب «دگرگونی بزرگ فلسفه یونانی در برخورد با شیوه اندیشه اسلامی» دکتر عبدالجواد فلاطوری، گروه فلسفه اولین نشست خود را نیز با محور همین کتاب برگزار می‌کند. نگارش مقاله پژوهشی و مرور کتاب «گفت‌وگویی میان هگل و فیلسوفان اسلامی»

دکتر محمد تقی طباطبائی

مدیرگروه فلسفه شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی

دکتر محمدرضا هدایتی

دبیرگروه فلسفه شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی

گروه فلسفه شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، به منظور وحدت‌بخشی به فعالیت‌های علمی گروه در راستای طرح مسئله فلسفی «ایران»، تلاش دارد تا طرحی علمی از فعالیت‌های پیش روی خود ارائه نماید. طرح اولیه گروه فلسفه که بنیاد در ادامه فعالیت‌های علمی گروه، تکمیل و تقویت شود، به شرح زیر است.

کار فلسفی از ضرورتی برمی‌خیزد که اهل فلسفه را به خود فرامی‌خواند. همین ضرورت است که پرسش اکنون فلسفه را صورت می‌بخشد، به کار فلسفی نیرو می‌دهد و بود و نبود آن را متمایز می‌کند. فلسفه آنگاه جایگاهی اساسی برای ما پیدا می‌کند که از سر این ضرورت برخاسته باشد. بدون این ضرورت، فعالیت فلسفی به یک فعالیت عادی تبدیل می‌شود و نیروی زندگی و اثرگذاری خود را از دست می‌دهد؛ فلسفه نیز مجموعه پراکنده‌ای از آراء و نظریات انتزاعی می‌شود که می‌توان صرفاً از سر علاقه شخصی با آن تفتن و تفاخر کرد. فلسفه‌ای که به آراء و تتبعات شخصی افراد تقلیل یابد، ربط ضروری‌اش به صحنه واقعی زندگی را از دست می‌دهد و نمی‌تواند درکی از رخدادها و تحولات جامعه و زمانه‌اش داشته باشد.

این ضرورت در تاروپود استدلال‌ها و مفاهیم و آراء فلسفی حاضر می‌شود و به آن انضمامیت می‌بخشد. فلسفه در متن و استدلال و مفاهیم و نظریات تمام نمی‌شود. پرسش فلسفه، تنها از توجه به این ضرورت و تلاش برای کشف این ضرورت ممکن می‌شود. از این جهت، توجه به آثار فلسفی معاصر که به نحوی بنیادین، پرسش فلسفه را پیش می‌کشند، می‌تواند ما را متوجه ضرورتی کنند که از آن زمانه ماست. این توجه، می‌تواند علاوه بر شکل دادن به پرسشی که پرسش اکنون خود ماست، گفت‌وگوی فلسفی را ممکن کند و رونق بخشد.

کار فلسفی یک کار نظری صرف نیست. فلسفه حب دانایی و طلب دانایی است. بنابراین، مسئله اساسی مادر فلسفه، کار فلسفی و اندیشیدن فلسفی به مسائل خودمان است. قلب این مسئله، بودن

کار فلسفی یک کار

نظری صرف نیست.

فلسفه حب دانایی و

طلب دانایی است.

بنابراین، مسئله اساسی

ما در فلسفه، کار فلسفی

و اندیشیدن فلسفی به

مسائل خودمان است.

قلب این مسئله، بودن

نقادانه است



ایران؛ آزمونی برای جامعه‌شناسی

دکتر سید سعید زاهد زاهدانی

مدیر گروه علوم اجتماعی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی

دکتر علیرضا بلیح

دبیر گروه علوم اجتماعی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی

شاید بتوان گفت جوامع در لحظه‌ای که به استقبال مرگ می‌روند یا هنگامه ملاقات با حقیقت متولد می‌شوند اما ادامه حیات آنها با سیاست ممکن می‌شود یعنی پس از این درک که حقیقت را نمی‌توان در آغوش گرفت بلکه به تعبیر افلاطون باید در پی آن به راه افتاد.

کشف سیاست در جهان مدرن به منزله این بود که در غیاب ارزش‌های متعالی از حوزه عمومی این انسان است که باید خود به تنهایی مسئولیت زندگی و سرنوشت خویش در این جهان را بر عهده بگیرد. دیگر فدی‌های در کار نیست. از قضا علم نیز در همین صحنه غیاب حقیقت بود که به ستون خیمه تجدد تبدیل شد و گویی آن مسئولیت را بر عهده گرفت. اما آنچنان که در آغاز و در آثار متفکرانی چون ماکیاوولی، هابز، روسو... سیاست وضع روشنی دارد و حتی به ترسیم قلمرو تاریخ در برابر طبیعت نیز مدد می‌رساند تولد جامعه‌شناسی در سنت فرانسوی و انگلیسی به رغم آن که جستجوی معنایی از سیاست را در خود حمل می‌کند اما بیش از آن به نظر می‌رسد تاب‌ناکی‌هایی که به واسطه قلیان سیاست، مردم را به شور می‌آورد ندارد و از این جهت سودای تأسیس نظمی تازه در سر می‌پروراند؛ نظمی که در سیر تدریجی تکوین خود سیاست را قربانی نظم می‌کند. به دیگر سخن اگر آزادی و قدرت دو بال و جهت اساسی مدرنیته باشند این قدرت است که به تدریج آزادی را مهار می‌کند و در چنین بستری است که امر اجتماعی جایگزین امر سیاسی می‌شود.

به این سخن دورکیم دقت کنیم:

«... کوتاه سخن، جامعه همان طبیعت است. لیک در فراترین فرازگاه تکامل آن، ضمن آنکه در عین حال تمام کارمایه‌های طبیعت را به آهنگ فراتر رفتن از خویش و افزون کردن آنچه خود دارد، گرد آورده است.»

اگرچه در دورکیم تا آنجا که هنوز نظر به کانت دارد می‌توان سیاست را جستجو کرد اما همانندی جامعه به طبیعت یا گرت‌برداری روش جامعه‌شناسی از فیزیک در نظر کسی چون کنت یا تحلیل جامعه مبتنی بر نحوی داروینیسیم اجتماعی در اسپنسر همگی نطفه درکی را پرورش داد که منجر به سیطره تکنیک بر سیاست شد و از این رو مفهوم «جامعه» نسبتی با درک روابط انسانی چونان روابط ضروری و ریاضی‌واره، خودبستگی جوامع انسانی و همگونی رویدادهای تاریخی و اجتماعی داشت.

در سنت آلمانی قلمرو تاریخ در برابر طبیعت همچنان موقعیت کانونی داشت و همین منجر به پیدایش علوم

تاریخی و فرهنگی و یا آنچه امروز علوم انسانی در برابر علوم اجتماعی نامیده می‌شود گردید. در این میان متفکری چون وبر تلاش کرد تا با تکیه بر این فهم از تاریخ و فرهنگ در اندیشه آلمانی با زنده نگه داشتن سیاست ملت آلمان را همچنان برپا نگه دارد اما نهایتاً سرنوشت آلمان پس از دو جنگ جهانی اول و دوم این بود که به قواعد نظام تکنیک که با ایده جهانی شدن و حقوق بشر و دفاع از بشریت استحکام یافته بود تن در دهد. سرنوشت آلمان پس از جنگ‌های جهانی درس عبرتی برای هر ملتی بود که بخوهد دوباره در برابر تکنیک از سیاست سخن بگوید و به عبارت دیگر اساساً بخوهد «ملت» باشد.

با غلبه نظم تکنیک در دو جهت متفاوت اما هم‌بنیاد، ملت به آن معنا که هنوز حامل سیاست است یکسره به دولت و بازار فرو کاسته شد و شاید آنچه فوکو از آن تعبیر به دفاع از جامعه می‌کرد دفاع در برابر ایلغار دولت و بازار بود که می‌خواست با سیاست‌زدایی از ملت‌ها شهروندان را چونان اتم‌هایی در کنار هم نگه دارد که بی آن که با هم بودگی را تجربه کنند به مصرف نظم تکنیک یا آنچه امروز باید آن را شبکه نامید برسند.

در شرایطی که جهان می‌رفت تا ذیل این نظم جدید یک‌دست شود و حتی امریکا و شوروی در استمرار جنگ سرد به توافقاتی با یکدیگر دست یافته بودند دوباره سیاست شاید از نقطه‌ای غیرقابل انتظار سر برآورد؛ ایران. ایران می‌خواست دوباره سیاست را برپا کند. می‌خواست ملت و شاید در معنایی دقیق‌تر و عمیق‌تر امت باشد نه جامعه و شبکه. این لحظه‌ای است که تقابل جامعه‌شناسانه با این رخداد دشوار و ضرورت مواجهه پدیدارشناسانه را پیش می‌کشد. این نه به منزله دور ریختن سنت‌های علمی جامعه‌شناختی یا فلسفی در مطالعه ایران بلکه به معنای این است که باید این نظریات را در برابر این پدیدار نوظهور به بوته آزمون

ایران می‌خواست دوباره

سیاست را برپا کند.

می‌خواست ملت و شاید

در معنایی دقیق‌تر و

عمیق‌تر امت باشد. این

لحظه‌ای است که تقابل

جامعه‌شناسانه با این

رخداد دشوار و ضرورت

مواجهه پدیدارشناسانه

را پیش می‌کشد

نهاد. حال آن که در نهاد علم در ایران آنچه غالباً انجام شده تحمیل صورت‌های نظری بر پدیدار اجتماع ایرانی تحت پذیرش فشار خودآگاه و ناخودآگاه نظم جهانی تکنیک بوده است.

اگرچه سیاست در سیر خود رو به سوی انحلال در تکنیک داشته و دارد اما همین سیاست تکنولوژیک برای آنها که تاریخ‌شان با آن گره خورده هنوز نیرویی می‌آفریند که با بهره بردن از آن می‌توانند مردمان نا آشنا با تکنیک را اداره کنند. احیاء امر سیاسی در ایران امروز از آن جهت که طرحی از ایستادن و استقلال را در این جهانی که مردمان را یکسره حیواناتی بیولوژیک می‌خواهد-پیش می‌کشد نه امری تکنیکه و خاص بلکه دعوتی جهانی و امکانی برای آینده است. بر این اساس جهت‌گیری کلی گروه علوم اجتماعی مطالعه ایران و جهان و مناسباتشان با یکدیگر بر بنیاد چنین درکی از وضع آن دو است.

ایران چونان روح جهان بی‌روح و نمود احیاء سیاست در وضع سیاست‌زدایی شده عالم نیازمند مطالعه‌ای است که از سر تجربه زیسته همین مردمان آغاز گردد. ظهور دوباره سیاست به منزله خیزش یک ملت به سوی یک آینده است. بنابراین تحلیل چنین ملتی بر اساس قواعد از پیش موجود ممکن نیست. چنانچه پس از انقلاب شاهد بودیم عدم کفایت نظریه‌های حوزه جامعه‌شناسی انقلاب در تحلیل انقلاب ایران منجر به تولد نسل چهارم نظریه‌های انقلاب شد.

آیا این عدم کفایت بدان معناست که چارچوب‌های مفهومی و نظری علوم اجتماعی مدرن را باید به کناری نهاد و همچون برخی ایده معرفت‌شناسی ساختمان این علم را از صفر بنا نمود؟ به نظر نمی‌آید هیچ علمی در طول تاریخ بشر اینچنین پا به عرصه گذاشته باشد. حتی اگر چنین مدعایی داشته باشد وقتی به واقعیت آن نظریه‌ها رجوع شود در جای جای آن می‌توان رد پای سنت‌های علمی پیشین را مشاهده کرد. اما نکته مهم اینجاست که برخلاف تلقی رایج در فضای آکادمیک علوم اجتماعی در ایران در هنگامه یک رخداد تازه اجتماعی-خصوصاً یک انقلاب فراگیر و عمیق چون انقلاب ایران- این نظریه‌ها هستند که در بوته آزمون قرار می‌گیرند تا روشن شود که آیا از عهده توضیح واقعیت برمی‌آیند؟ به عبارت دیگر نظریه‌ها دستمایه اندیشه متفکران در مواجهه با جامعه پساانقلابی ایران خواهد بود و در این برخورد راهی به سوی فهم آن گشوده شود. در این حرکت باید به نحوی پدیدارشناسانه پیشاپیش به سوی خودرخداد گام برداشت و در میان این استقبال از رخداد است که نظریه‌ها و مفاهیم به آزمون درمی‌آیند. در این وضع چه بسا چارچوب دیسپلین‌های علمی رایج نیز مورد بازخوانی قرار گرفته و از مرزهای متعارف



برنامه پژوهشی گروه اقتصاد

علم اقتصاد؛ موضوع یا روش

زیادی، بار محتوایی خود را از دست داد.

■ تحلیل وضعیت آموزشی و پژوهشی در کشور

در کشور نیز شرایط مشابهی وجود دارد. در سال‌های اخیر، جریان اندیشه‌ای در علم اقتصاد تضعیف شده است. بخش عمده‌ای از خروجی‌های فضاهای دانشگاهی و پژوهشگاهی به صورت علمی اما تهی از محتوا هستند. دلایل متعددی برای این اتفاق وجود دارد:

دلیل اول، کمی شدن مبتذل فضای پژوهشی علم اقتصاد است. نشریات علمی این رشته پذیرای مقالاتی است که صرفاً دارای مدل‌های کمی است. این مساله فارغ از محتوا بحث شده در نشریات است. این نحوه بررسی مقالات منجر به تمرکز پژوهشگران بر یادگیری مدل‌های آماری و اقتصادسنجی شده است که صرفاً با تغییر موضوع پژوهش و استفاده از آن مدل، مقالات جدید را منتشر می‌کنند. لذا، جریان اندیشه‌ای به کنار رانده شده است.

دلیل دوم، درگیری علم اقتصاد با مسائل روز و شکل‌گیری جریان ژورنالیستی و شبه علمی است. برای مثال، مواجهه علم اقتصاد با موضوع آزادسازی قیمت‌ها، از سطح اندیشه‌ای به سطح سیاستگذاری نزول پیدا می‌کند.

دلیل سوم، سیاست‌زدگی فارغ التحصیلان رشته اقتصاد است. برای مثال، در ادبیات سیاست‌گذاری پولی و مالی با چهار نوع وقفه (شناخت، تصمیم‌گیری، اجرا، اثرگذاری) مواجه هستیم. این وقفه‌ها منجر به ایجاد فاصله بین استقرار دولت و نتایج سیاستگذاری‌ها می‌شود. اما این نحوه مواجهه در فضای دانشگاهی وجود ندارد.

■ راه حل

به منظور بهبود جریان اندیشه‌ای در علم اقتصاد، نیازمند افزایش فضای استدلال و انتقاد است. این مهم از مسیر مطالعات بنیادین و شکل‌گیری نقد کتب دارای اندیشه صورت می‌پذیرد. گروه اقتصاد برای پیشبرد این موضوع، بررسی آثار دارای اندیشه را در اولویت قرار می‌دهد. این به منزله نادیده گرفتن آثاری با ماهیت کمی، مروری و عمومی است. برای مثال «ثروت ملل» آدام اسمیت اثری کلاسیک و شناخته شده برای بررسی است. در مقابل، کتاب «رساله‌ای درباره احتمالات» جان می‌نارد کینز اثر کمتر شناخته شده است که دارای جریان اندیشه‌ای است. کتاب «چرا ملت‌ها شکست می‌خورند؟» یا «دالان باریک» آثاری جریان ساز

دکتر عادل پیغامی

مدیر گروه اقتصاد شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی

دکتر حبیب حبیبی نیکجو

مدیر گروه اقتصاد شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی

■ تحلیل تاریخی از تغییرات علم اقتصاد

تعریف علم اقتصاد در طی دهه ۱۹۳۰ دچار تغییراتی جدی شده است. علم اقتصاد به صورت سنتی براساس موضوع مورد بررسی تعریف می‌گردید. برای مثال «مطالعه ثروت» یا «مطالعه سیستم‌های تجاری» تعریف می‌شد. آلفرد مارشال اقتصاددان دانشگاه کمبریج علم اقتصاد که صاحب معروف‌ترین کتاب درسی علم اقتصاد در اوایل قرن بیستم بود، علم اقتصاد را «مطالعه انسان در زندگی تجاری» تعریف نمود. در این دوره ریاضیات در علم اقتصاد نقش پررنگی نداشت. اما در سال ۱۹۳۲ لیونل رابینز در مقاله «ماهیت و معناداری علم اقتصاد»، علم اقتصاد را با روش تعریف کرد. به عبارت دیگر، علم اقتصاد را علم بهینه‌یابی تعریف کرد. این تعریف از علم اقتصاد منجر به آن شد که ریاضیات به صورت جدی مورد بررسی قرار گیرد. لذا، تعریف علم اقتصاد از «موضوع بررسی» به «روش بررسی» تغییر پیدا کرد. با این تغییرات، حوزه موضوعی مورد بررسی علم اقتصاد به صورت گسترده تعریف شد. روش بهینه‌یابی یا حداکثرسازی منجر به این موضوع شد موضوعات مورد بررسی علم اقتصاد گسترش پیدا کرد. موضوعات نظیر حقوق، علوم سیاسی، علوم اجتماعی و... نیز مورد بررسی علم اقتصاد گرفت. مقاله معروف «جنايات و مکافات» گری بکر، برنده جایزه نوبل اقتصاد، به موضوع جرم و جنایت پرداخته است.

با وقوع جنگ جهانی دوم، جریان علم اقتصاد با ریاضیات و اقتصادسنجی ارتباط بیشتری پیدا کرد. برخی از اقتصاددانان در برنامه‌ریزی جنگ جهانی فعالیت کردند و در کنار ریاضی دانان و فیزیکدانان فعالیت خود را ادامه دادند. این اتفاق و شکل‌گیری نهادهایی شبیه کمیسیون کولز و جامعه اقتصادسنجی باعث شد که این جریان تشدید شود.

تمامی این اتفاقات باعث شد که علم اقتصاد بیش از آنکه موضوع اقتصاد را بررسی کند، بر روش بهینه‌یابی تاکید کرد. به این ترتیب، روش‌های ریاضی و اقتصادسنجی نقش جدی در علم اقتصاد را ایفا کرد. از این دوران به بعد مقالاتی علمی تلقی می‌شد که دارای روش‌های ریاضی و اقتصادسنجی باشند. لذا، علم اقتصاد تا اندازه

علوم اجتماعی فراتر رفته و گاه وارد ساحاتی همچون فلسفه و الهیات و تاریخ و اندیشه سیاسی شویم و همین امر موجب تکوین صورتبندی تازه‌ای از علم اجتماعی در ایران شود.

برنامه‌های گروه

بر پایه آنچه گفته شد شاید مطالعه هیچ موردی مانند ایران که ۲۰۰ سال پرتلاطم تاریخی را پشت سر گذاشته و انقلاب و جنگی طولانی را سپری کرده و هنوز در پیچ و خم تاریخ خویش است آنقدر زنده و پرهیاهو نباشد که به موضوعی جذاب برای متفکرین علوم اجتماعی تبدیل شود.

مطالعه معنویت سیاسی چنان ایده‌آسی جامعه ایرانی در جهان کنونی مطالعه اقتصاد سیاسی ایران به مثابه لحظه ملاقات اقتصاد و فرهنگ (جامعه) برای فهم چگونگی احیاء و بقای سیاست ایرانی در جهانی که جهان را ذیل منطق بازار و کالایی شدن امور می‌خواهد.

احیاء جامعه ایرانی از مسیر مطالعه و رفع تعارضات و سختی‌های فرهنگ و قانون

■ آثار علمی در دست تحقیق:

طبعاً کتبی برای نقد و بررسی انتخاب می‌گردند که متضمن پرداخت به این مسائل بوده یا ما را در راه فهم آنها یاری کنند یعنی بانقادی جهان‌سیاست‌زدایی شده را پی بگیرند و یا به امکان‌های گذر از وضع موجود و طرحی از آینده نظر داشته باشند و در این راستا روایتی از جامعه ایرانی داشته باشند.

اقتصاد و جامعه اثر ماکس وبر
سخنرانی سیاست در مقام حرفه اثر ماکس وبر
سخنرانی علم در مقام حرفه اثر ماکس وبر
درآمدی بر دانش نوین سیاست اثر اریک فوگلین
صنعت بر فراز سنت یا در برابر آن اثر مرتضی‌فرهادی
انقلاب اسلامی و وضع کنونی عالم اثر رضا داوری اردکانی

خرد سیاسی در زمان توسعه نیافتگی اثر رضا داوری اردکانی

خرد جامعه‌شناسی اثر یوسفعلی ابادری
انقلاب اسلامی و افتتاح تاریخ اثر حسین کچویان

■ نشست‌ها

برگزاری چهار نشست پیرامون کتاب‌های مهم در دست پیگیری است: صنعت بر فراز سنت یا در برابر آن
انقلاب اسلامی و افتتاح تاریخ

خرد جامعه‌شناسی
درآمدی بر دانش نوین سیاست

■ حلقه‌های متن خوانی

از برنامه‌های گروه راه‌اندازی حلقه‌های متن خوانی در دانشگاه‌های مختلف در جهت ترویج مطالعه کتاب کلاسیک و جریان‌ساز در حوزه علوم اجتماعی است. در این راستا در ادامه حلقه‌های مطالعاتی پیرامون آثار ماکس وبر بناست تا متن سخنرانی سیاست در مقام حرفه موضوع این حلقه متن خوانی باشد.



بازار یابی و بازاریابی و بازاریابی محتوایی نقدها و سایر قابلیت‌ها و خروجی‌های دبیرخانه اصابت و نقطه زنی نقد: نقدها به نقطه‌های هدفگذاری شده و مصرف کنندگان واقعی نقد می‌باید اصابت کنند.

مدیریت تقاضا و دسترسی مشتریان به بازار کار علمی پایداری و استمرار مصرف و مشتریان فراهم کردن مواد لازم برای تولیدات بعدی، اصلاح در ویراست‌های جدید، سفارش تولید منابع علمی، هم افزایی با سمت عنایت به عرصه عمومی و اهمیت علوم انسانی در حوزه باور و فرهنگ عمومی مردم و مسوولان بازخوردگیری

جریان نقد محصولات خود دبیرخانه استقرار نظام معنایی و رسانه ای و گفتنایی نسبت به فعالیتهای انجام شده فعال کردن همه رسانه‌های علمی علاوه بر ژورنالیزم علمی،

توجه به سرمایه اجتماعی شورا اقدامات اقناعی

بازار یابی زیست بوم نقد

برون سپاری: توانمندسازی و رشد عناصر و فعالان عرصه نقد و بررسی در زیست بوم نخبگانی علوم انسانی نسبت به انجام نقد، اولویت دارد و لذا ناقدان، فرایندها و فضای نقد بیش از خروجی نقد مورد هدف است.

تکمیل زنجیره خلق ارزش در عرصه نقد و اعتلای منشورات علمی با قرار گرفتن در طول فعالیتهای موجود در شورای تحول شورایی، شورای تحول علوم انسانی وزارت علوم، نهادهای حوزوی، و ...

هم افزایی و تقسیم کار با مراکز ذیربط (مانند نهادهای جهاد دانشگاهی، سمت، دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها، انجمن‌های علمی، مجلات علمی، مجلات نقد مثل کتاب ماه، رسانه ملی، نهادهای عرصه کتاب مثل نهاد کتابخانه‌های عمومی، ...)

جمع سپاری: مانند open peer review

استقرار نظام انگیزشی درونزا در جامعه علمی

تعاملات بین المللی

انتقال خروجی نقدها به جامعه علمی فرامرزی و نیل به سهمی قابل قبول از جریان نقد دنیا

انتقال نقد و بررسی‌های خارجی به داخل

استفاده از توان نقد نخبگان همسوی خارجی

تکمیل شبکه ناقدان با ایرانیان خارج از کشور

اعضای گروه

رئیس گروه: دکتر عادل بیغمی

دبیر گروه: دکتر حبیب حبیبی نیکجو

اعضای گروه: دکتر مهدی خطیبی، دکتر سعید

ملک‌السادات، دکتر فاضل مریدی، دکتر سعید

عقیل حسینی، دکتر ابوالفضل پاسبانی صومعه،

دکتر محمود مشهدی احمد.

با وقوع جنگ جهانی دوم، جریان علم اقتصاد با ریاضیات و اقتصادسنجی ارتباط بیشتری پیدا کرد. این اتفاق باعث شد که علم اقتصاد بیش از آنکه موضوع اقتصاد را بررسی کند، بر روش پهنه‌یابی تاکید کند

جهت روش‌ها و روش شناسی‌های نقد از ملزومات مهم است.

معرفی شیوه‌های نوین در نقدها، مطالعات تطبیقی و مقارنه ای از نقدهای موجود در دنیا به جای نقد نقطه ای و ایستا، چرخشی به سوی نقد مستمر، متضارب و پویا باید داشت.

■ نقد اثربخشی و هدفمندی نقد

به جهت تکمیل چرخه حکمرانی علم از مسیر نقد و نظر نخبگانی، نقدها در طیفی از نقدهای مخرب، مانع، رقیب، هم افزا و حامی بازار یابی می‌شوند.

نقد برای نقد مقبول نیست. نقد و بررسی منشورات علمی، خدمتی برای مصرف کنندگان و مشتریان بالقوه و بالفعل آن، و لذا احصاء جامعه هدف از قبیل مشتریان و مصرف کنندگان و تولید خدمت متناسب با نیازهای ایشان از درجه اهمیت برخوردار است.

گسترده‌گی اثربخشی به سطح کلان و ملی کشور مرجعیت شورا و خروجی‌های آن نزد نخبگان و اساتید و امکان دسترسی سهل ایشان

شکل گیری و ارتقاء نظریه مبنا و بنیادین اسلامی و ایرانی برای نقد

اخلاق و فرهنگ نقد

کمک به ارتقاء اخلاق حرفه ای نقد و ناقدان در کشور، انصاف، مدارا، تحمل و تکررگویی همگرا در جامعه علمی از قبل نقد و بررسی آثار

توسعه فرهنگ نقد و نقدپذیری

کمک به جریان سلامت پژوهش و صیانت از حقوق مادی و معنوی تولیدات علمی و اعتبار علمی کشور شبکه ناقدان و اهالی نقد

توسعه کمی همکاری همکاران قدیم و افزودن همکاران جدید و شبکه ملی نخبگانی علوم انسانی افزودن ناقدان حرفه ای و اجرایی به ناقدان علمی

راه اندازی شاخه حوزوی

تربیت شبکه ناقدان جوان و دانشجویان دکتری برای فرهنگ سازی و تامین آینده

حلقه اتصال مولفان و ناقدان

به حساب می‌آید که تبدیل به کتاب پرفروش نیز شدند مورد بررسی قرار می‌گیرد.

برنامه‌های گروه

هدف اصلی گروه اقتصاد شکل گیری جریان نقد در علم اقتصاد از مسیر فرآیندهای زیر است:

رصد، پایش و دیده بانی منشورات علوم انسانی با بهره گیری از ظرفیتهای کتابشناختی و علم سنجی موجود، استفاده از بازیگران عرصه تولید علم و منشورات علوم انسانی سعی خواهد شد دقت و درجه نفوذ رصد و دیده بانی تولیدات شورا افزایش یابد.

چرخش رصد هوشمند، از رویکرد منفعل به رویکرد فعال ضروری است. بدین ترتیب تصویری از عدم توازنها، فریبهی و لاغری عرصه‌ها، و حلقات مغفول و مفقود، که لازمه آمایش هدفمند میدان است ممکن و میسر می‌شود.

توجه به اولویتهای و فوریت‌ها، کتب درسی و کمک درسی، برنامه‌های درسی، کتب تاثیرگذار و پرتیراژ و ...

در کنار رصد متون و عناوین منشورات، رصد نظامات معنایی و مفهومی و ترسیم ابرهای مفهومی هم لازم است.

کمک به ارتقاء زیرساختهای لازم برای تعمیق و تدقیق رصد از جمله کدگذاریها و ترازوسها و ... عنایت به منشورات فرادانشگاهی، مانند متون سیاستگذارانه، کارشناسانه، اسناد پشتیبان و منشورات تصمیم ساز در عرصه اجرا و تقنین، کتب درسی و کمک آموزشی تعلیم و تربیت، و ...

■ غربالگری، دسته بندی، گونه شناسی و جریان شناسی آثار

با دسته بندی و جریان شناسی، بیش از نقد یک منشور یا متن، به نقد جریان، نقد گفتمان و نقد تجمعی آثار باید پرداخته شود.

پالایش جریان معارض و معاند از جریانات همسو، حامی، مکمل، زمینه ساز رشد یا رقبای هم افزا غربالگری هوشمند و اولویت مدار، لازمه مدیریت هزینه و منابع است.

■ گونه شناسی نقد و بررسی

به جهت محتوایی و معنایی نقدها در سه محور هتردوکس، ایرانی و اسلامی قابل دسته بندی اند. به جهت رهیافت، نقد تک ساحتی و مونو، به نقد چند وجهی و متکثر و غیردیسپلینی (میان رشته ای، چند رشته ای، فرارشته ای و ...)

نقد در فرایند شکل گیری اثر در کنار تداوم نقد و نظر پس از انتشار

نقدهای با نام و بی نام

روش شناسی نقد

توانمندسازی جامعه نخبگانی ناقدان کشور به



برنامه پژوهشی گروه مطالعات علم و فناوری

نیروی دراماتیک علم از کجاست؟

که کاری نیم‌بند و التقاطی یا مصالحه‌جو در باب علم انجام می‌دهند می‌توان اولویت‌های را در واریسی متون در حوزه مطالعات علم و فناوری تشخیص داد و دنبال نمود:

۱. متونی که نقش موسس در علوم دقیقه داشته‌اند.
۲. متونی که بحران‌های تاریخی علوم دقیقه محسوب می‌شوند.
۳. متونی که تحلیلی انسانی یا الهیاتی از تاریخ علم پیش می‌دهند.
۴. متونی که تحلیلی منطقی یا متافیزیکی از علم ارائه می‌کنند.
۵. متونی که فناوری را به عنوان امری هم‌عنان با معنای حیات انسان و تکوین معنای آن مورد بررسی قرار می‌دهد.
۶. متونی که علوم انسانی را در مقام حادثه در زمینه تکوین معنای علم در دوران مدرن مطرح می‌کند.

متون در دست بررسی

۱. رساله‌ی حدس‌ها و رساله‌ی جهل‌دانا از نیکولاس کوزابی
۲. تکوین جهان کپرنیکی از هانس بلومبرگ
۳. گذار از جهان بسته به کیهان باز اثر الکساندر کویره
۴. اصل روش بی‌نهایت کوچک و تاریخچه‌ی آن اثر هرمان کوهرن

اعضای گروه

۱. رییس گروه: دکتر سید حسن حسینی
۲. دبیر گروه: علیرضا شفا
۳. دکتر مهدی معین‌زاده هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی
۴. دکتر سید محمد حسن آیت‌الله‌زاده شیرازی هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی
۵. دکتر میثم سفیدخوش هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی

منطق درونی آن که در خود مسائل علم دنبال می‌شود باز می‌ماند. به عبارتی پژوهشی اصیل در مورد علم باید بتواند معنای دراماتیک علم را در منطق درونی مسائل خود علم فهم و دنبال کند. پژوهش‌هایی که در حوزه تاریخ علم یا غیر آن علم را به نوعی امر انسانی یا الهی ارجاع می‌دهند، البته می‌تواند تمهیدی باشند برای ورود به منطق خود علم و تنها در چنین نسبتی با پژوهش راستین در باب علم ارزش خواهند داشت. از دیگر سو آن دسته از پژوهش‌ها که منطق علم را می‌جویند اما درک داستان مندی از این منطق ندارند و نمی‌توانند نیروی محرکه درونی آن را که امری به غایت غیر انسانی است مطرح کنند.

برنامه‌های گروه

با این نسبت یابی و با حذر از آن برنامه‌های پژوهشی

دکتر سید حسن حسینی سروری

مدیر گروه علم و فناوری شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی

دکتر علیرضا شفا

دبیر گروه علم و فناوری شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی

ماجرای علم و فناوری در قرون اخیر حادثه‌ای نیست که بتوان از آن چشم پوشید. علم جدید را بسیار کاویده‌اند. روش شناسی در قرن بیستم بسیار کوشیده است تا کرد و کار علم را به بیانی صریح و آگاهانه بدل کند و علم شناسان نیز خواسته‌اند چیهستی علم را به تلویح یا تصریح در آورند اما آنچه می‌توان گفت آنکه در علم نوعی بی‌اعتنایی مولد به ذات امور وجود دارد تا آنجا که در تمایز میان علم پیشامدرن و علم جدید می‌توان به همین بی‌اعتنایی به ذات و تمرکز آن دیگری بر ذات انگشت گذاشت. علم جدید هر اندازه از ذات امور چشم‌پوشی می‌کند، خود نیز ذاتی پوشیده پیدا می‌کند و لباس نظریه‌های موقتی می‌پوشد تا آنجا که می‌توان گفت این پوشیدگی آدمی را به صحنه تاریخ جهان دعوت می‌کند. جهانی که حاوی ذات روشنی نیست و آدمی از آن می‌هراسد.

از سر چنین درکی از علم از سویی می‌بایست بتوان ذات انسانی علم را مورد پژوهش و بررسی قرار داد و باید آن را در سردترین و بی‌اعتناترین چهره‌اش به رسمیت شناخت و کاوید. پیوند میان این دو بسیاری از پژوهش‌ها را دورتر می‌کند و برخی را پیش می‌کشد. مثلاً آن دسته از پژوهش‌ها که در معنای انسانی علمی می‌کوشند اما خود را مقید نمی‌دانند تا از سر چنین کاوشی در خود علم مشارکت کنند، در پی آن پیوند نیستند. اینها غالباً ماجرای انسانی علم را با ارجاع علم به الهیات یا نوعی زیبایی‌شناسی دنبال می‌کنند، حال آنکه این ارجاع مسائل علم را بیرونی و فرهنگی می‌کند و از





بار دیگر پرسش از سیاست

دکتر غلامرضا خواجه سروی

مدیر گروه علوم سیاسی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی

دکتر اباصالح تقی‌زاده طبری

دبیر گروه علوم سیاسی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی

بحث از سیاست امروز بیش از هر زمان دیگری روشن به نظر می‌رسد. همه می‌دانند وظیفه پژوهشگر حوزه سیاست چیست و حتی سیاستمدار بر مدار چه الگویی باید حرکت کند. مفاهیمی همچون سیاست‌گذاری عمومی و حکمرانی خوب مرکز گفت‌وگوهای سیاسی است و در عرصه عمومی مبنایی برای مطالبه از سیاستمداران؛ سیاست باید بتواند به الگویی از تنظیم‌گری و تسهیل‌گری جهت مدیریت عمومی امورات کشور و بهبود و توسعه مداوم و پایدار آن برسد. این بحث‌ها در عین اهمیتی که امروز برای همه جوامع و پژوهشگران پیدا کرده‌اند و کنکاش‌ها و مناقشات بسیاری را سبب شده‌اند، اما نهایتاً بحث‌های روشن و در دسترس هستند و البته این اتفاقی نیست و از سر پروژه‌های تاریخی برای بازتفسیر سیاست رخ داده است.

سیاست پس از جنگ دوم جهانی از سر نبردهای خانمان‌سوز و نزاع ایدئولوژی‌های اروپایی، به سوی درکی مبتنی بر مصالحه و اداره زندگی روزمره حرکت کرد؛ تا آنجا که سیاست صحنه گفتار بود، مصالحه و تامین حقوق و آزادی یکسان هدفش بود و تا آنجا که به صحنه عملی توجه داشت، می‌بایست برنامه‌ای برای مدیریت و تنظیم زندگی هرروزه مردم می‌داشت. احزاب سیاسی، کارشان رقابت بر سر ارائه برنامه‌های کارشناسی برای بهبود وضع اقتصادی بود و صحنه منازعه میان کشورها، باید درون رقابتی اقتصادی معنی می‌شد. هرگونه نزاع اساسی درباره سرشت و سرنوشت یک ملت اول باید از مناقشه میان گروه‌ها و احزاب سیاسی داخل کشور و سپس از روابط میان کشورها و دولت‌ها حذف می‌شد. تولد گفتار سیاسی در یک ملت، آنجا که تذکری به معنی متمایز یک ملت و رسالتی که در جمعیت‌شان احساس می‌کنند باشد، در خطری که برای فرم سیاسی تثبیت‌شده دارد توسط دولت و نهادهای حقوقی و مدنی همچون تهدید تلقی می‌شود. تهدیدی که برهم‌زننده نظم و امنیت است و با برانگیختن اراده در ملت‌ها و تمهید مشارکت سیاسی آنان روند توسعه و ثبات اقتصادی کشورها را مختل می‌کند. دولت‌ها، به عنوان نماینده سیاسی مردم، به جای آنکه شور سیاسی مردم را زنده کنند باید اراده آنها را در قالب برنامه‌هایی مدیریت و تخلیه کنند تا تعللی در حرکت تدریجی به سوی توسعه ایجاد نشود. فروکاستن سیاست به اداره و

همه امور است. اینجا و در این انضمامیت همه چیز فرصت دوباره تولد پیدا می‌کند.

برنامه‌های گروه

ما در گروه علوم سیاسی شورای متون پیگیری طرح دوباره سیاست در این معنای عام هستیم و بنابراین ناگزیر به حوزه‌های مختلف حیات اجتماعی کشیده خواهیم شد. در ذیل به بعضی از مهمترین موضوعات مورد توجه در گروه اشاره می‌شود:

- اول. طرح گفتار سیاسی همچون تصمیم؛
- دوم. طرح اقتصاد سیاسی همچون الگویی برای درک متعین روابط نیروهای انسانی؛
- سوم. طرح جغرافیای سیاسی همچون الگویی برای فهم موقعیت‌مندی روابط نیروها؛
- چهارم. طرح حقوق اساسی یا عمومی جهت نشان دادن پیوند امر سیاسی و قانون.

آثار علمی در دست تحقیق

مطابق با آنچه در بالا عنوان شد آثار پرنفوذ زیر جهت نقد و پژوهش انتخاب شد. این آثار در حوزه‌های مورد اشاره در بالا راه تازه‌ای باز خواهد کرد.

۱. نظام ملی اقتصاد سیاسی اثر فردریش لیست
۲. دولت ملی و سیاست اقتصادی اثر ماکس وبر
۳. کاتولیسیم رومی و فرم سیاسی اثر کارل اشمیت
۴. آموزه اساس اثر کارل اشمیت
۵. صلحی که همه صلح‌ها را بر باد داد اثر دیوید فرامکین
۶. دولت قوی و اقتصاد آزاد اثر ورنر بونفلد

نشست‌ها

تا اینجا سه برنامه گفت‌وگو و نشست حول آثار بالا برنامه‌ریزی شده است:

۱. نشست پیرامون اندیشه‌های لیست و طرحی که او از نسبت دولت و اقتصاد داشت.
۲. نشست پیرامون کتاب صلحی که همه صلح‌ها را بر باد داد و طرحی از جغرافیای سیاسی در پیگیری سیاست خارجی
۳. نشست پیرامون طرح وبر از اقتصاد سیاسی. متن خوانی و تدریس آثار انتخاب شده در گروه، آثاری تأثیرگذارند که ضروری است در دانشگاه‌ها مورد تدریس قرار گرفته و همچنین با دقت توسط اساتید و دانشجویان متن خوانی شود. در همین راستا تلاش می‌کنیم تا مشخصاً اثر لیست، وبر و اشمیت را در جمع‌هایی آماده و صبورانه بخوانیم و مورد بررسی دقیق‌تر قرار دهیم.

همچنین اراده به روال، قرار بود کشورها را به صلح برساند و از تنش‌های سیاسی رها کند، اما آنچه در ابتدای قرن بیستم به جنگ و کشتار میان ملت‌ها انجامید، در ابتدای قرن بیست و یکم به گسیختگی و فروپاشی جوامع و ملت‌ها ختم شد. اگر جنگ‌ها پیشتر در مرزها بود، حالا در فقدان هر مرزی زد و خوردی بی‌پایان در میان ملت‌ها و جمعیت‌ها رخ می‌داد؛ اگر پیشتر ملتی ادعای حقیقت می‌کرد و طالب بزرگی بر ملت‌های دیگر بود، حالا از هر کوی و برزنی گروه یا گروهکی می‌روید که همه را تکفیر می‌کند و می‌کشد و کشته می‌شود و نهایتاً جای خود را به جمع کوچک دیگری می‌دهد. آنها که از هر ایده‌ی سیاسی ملت‌ساز حذر می‌کردند و آن را خطرناک می‌دانستند حالا با پراکندگی ملت‌ها با خطری به مراتب عظیم‌تر و غیرقابل کنترل‌تر مواجهند. حذف سیاست با فروکاستن آن، نه ملت‌ها را به صلح رساند و نه راه توسعه را هموار کرد؛ تنها با پراکندگی و گسیختگی، هم‌زمان نیروی جمعی یک ملت را سست و اراده‌اش را تبدیل به خشونت کور نمود. امروز این ماجرای اصلی جهان ماست و همه کشورها با شدت و ضعف در این داستان شریکند. ایران که پس از انقلاب اسلامی منادی بازگشت سیاست و برانگیختگی اراده جمعی مردم در جهان بود پس از چهار دهه و تعلل‌های بسیار و نابخشودنی در باز کردن راه سیاست به اقتصاد و شکل دادن به شیوه‌ی تازه‌ای از زندگی و پیشرفت، حالا بیش از هر زمان دیگری مهبای ورود به نظم جدید جهانی است. نظمی که علی‌رغم شعارهای انقلابی مادر تار و پود زندگی ایرانی رخنه می‌کند و به همه ابعادش شکل می‌دهد. این روند بسیار آرام‌تر از چیزی است که گمان می‌کنیم؛ آنجا که درک ما از رئیس‌جمهور، رئیس امور اجرایی کشور می‌شود، آنجا که دولت را صرفاً برای رتق و فتق امور کشور می‌خواهیم، آنجا که قانون فرمی برای انضباط اجتماعی می‌شود، آنجا که فرهنگ جایی برای معنابخشی انتزاعی به زندگی مردم است، آنجا که اقتصاد در مداری به کلی غیرسیاسی پیگیری می‌شود و البته آنجا که مردم همچون توده‌ای بی‌شکل شایسته خدمات و حمایت دولت می‌شوند. زنده شدن طرح مسئله اساسی سیاست، چیزی نیست که مربوط به یک رشته دانشگاهی یا حوزه‌ای از امورات تخصصی در یک جامعه شود، بلکه امر عامی است که کلیت علم و همه عرصه‌های حیات یک جامعه را زنده خواهد کرد. سیاست با درکی که از به صحنه آوردن سرشت حیات یک ملت دارد فراخوانی برای برپا ایستادن



برنامه پژوهشی گروه فقه و حقوق

دشواری‌های ابتدای حقوق بر فقه

دکتر محمد مهدی الشریف

مدیر گروه فقه و حقوق شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی

دکتر داریوش کیوانی هفشجانی

مدیر گروه فقه و حقوق شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی

■ تدوین طرح پژوهشی گروه فقه و حقوق

حقوق دانش مطالعه قواعد حقوقی است. قاعده حقوقی، قاعده‌ای الزام‌آور است که اجرای آن توسط دولت به معنای اعم تضمین شده است. قاعده حقوقی در سه سطح مبنای اعتبار، منبع وضع و هدف مورد تحلیل قرار می‌گیرد. از این رو سه پرسش مبنایی در باب قاعده حقوقی قابل طرح است:

الف) مبنای اعتبار قواعد حقوقی چیست؟

ب) قواعد حقوقی بر اساس کدام منبع وضع می‌شوند؟

ج) قاعده حقوقی چه هدفی را دنبال می‌کند؟

در طریق پاسخ‌گویی به سوالات بالا، مکاتب حقوقی متعددی پدید آمده‌اند که شرح مبسوط هر یک در کتب فلسفه حقوق صورت پذیرفته است. در این جاز باب نمونه و به منظور ایضاح موضوع، به جریان‌های اصلی مکاتب حقوق طبیعی و اثبات‌گرایی حقوقی (پوزیتیویسم حقوقی) اشاره می‌کنیم.

حقوق دانان طبیعی در سده‌های هفدهم و هجدهم میلادی تحت تأثیر اندیشه‌های گروسیوس، پوفندر و دکارت، فطرت انسان و اراده او را مبنای اعتبار قواعد حقوقی دانستند و هدف قواعد موصوف را تضمین و پاسداری از حقوق فردی و آزادی قلمداد کردند. در این نگرش، قواعد حقوقی توسط دولت کشف و اعلام می‌شوند و ضرورتاً عام، در طول زمان تغییرناپذیر و جهان‌شمول هستند. در مقابل پوزیتیویست‌های حقوقی اراده دولت را مبنای اعتبار قواعد حقوقی می‌انگارند و قانون موضوعه را یگانه منبع زیست قواعد حقوقی می‌دانند. در این نگرش حقوق صرفاً عهده‌دار حفاظت از نظم است که دولت چارچوب و محتوای آن را مشخص کرده است.

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران مبنای اعتبار قواعد حقوقی اراده الهی است. این گزاره بر اساس بند اول اصل دوم قانون اساسی مبرهن می‌شود؛ جایی که قانون‌گذار از اختصاص حاکمیت و تشریح به خدای یکتا سخن گفته است. در همین راستا اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چنین مقرر داشته است: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم

اموال و مالکیت، حقوق قراردادها و ایقاعات و مسئولیت مدنی را مقوله‌هایی عرفی و عقلایی انگاشته و تفاسیر غیر فقهی از قوانین و مقررات مربوطه ارائه می‌دهند. چنین تفاسیری از رهگذر نظام آموزش عالی و متون درسی ذهنیت غالب پژوهشگران، قضات، وکلاء و مشاوران حقوقی را شکل داده است.

۳) امور مستحدثه: کاربرد موازین شرعی در امور مستحدثه از قبیل بورس، بانک، بیمه، مالکیت‌های فکری، شرکت‌های تجاری، اوراق برواتی، گمرک، مالیات، راهنمایی و رانندگی، تابعیت و ثبت اسناد و احوال دشوار است، تا آن جا که برخی این امور را منطقه الفراغ پنداشته و نقش فقه و شرع در تقنین در این حوزه‌ها را سالبه به انتفای موضوع محسوب کرده‌اند.

بر بنیان مطالب فوق «مبانی، نحوه، موانع و آثار پیاده‌سازی احکام اسلامی در نظام حقوقی ایران جهت حکومت بر روابط اجتماعی اشخاص»، مسئله پژوهشی کلان گروه فقه و حقوق است.

برنامه‌های گروه

گفتنی است جلدهای اول و دوم کتاب مسئولیت مدنی دکتر کاتوزیان، بایسته‌های حقوق اساسی دکتر سید ابوالفضل قاضی شریعت پناهی، دوره سه جلدی حقوق جزای عمومی دکتر محمد علی اردبیلی، دوره دو جلدی حقوق بشر معاصر دکتر سید محمد قاری سید فاطمی و دوره دو جلدی حقوق تجارت: حقوق شرکت‌های تجاری دکتر ربیعا اسکینی به عنوان کتب درسی شاخص گرایش‌های گوناگون رشته حقوق، جهت نقد انتخاب شده‌اند؛ ضمناً رایزنی با اساتید و پژوهشگران صاحب‌نظر و برجسته برای سفارش نقد آثار منتخب به ایشان ادامه دارد.

اعضای گروه

خاطر نشان می‌شود تاکنون آقایان دکتر ابراهیم عبدی پورفرد (استاد دانشکده حقوق دانشگاه قم)، دکتر محمود حکمت‌نیا (استاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)، دکتر احمد حاجی ده‌آبادی (استاد دانشکده حقوق دانشکده‌گان فارابی دانشگاه تهران)، دکتر قاسم محمدی (استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی) و دکتر حسین جوان‌آراسته (دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه) به عنوان اعضای گروه فقه و حقوق انتخاب گردیده‌اند.

همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است. تقریباً ادله اربعه یعنی کتاب، سنت، اجماع و عقل را - البته در حدود حجیتی که دارند - می‌توان موازین اسلامی نامید. بر این اساس قانون موضوعه مصوب مجلس شورای اسلامی صرفاً ترجمان رسمی موازین اسلامی متجلی در فتاوی فقهی است. بنابراین تفسیر قانون نیز باید بر بنیان شرع و فقه انجام شود؛ چنان که اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح کرده است: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد». همان گونه که مشهود است شرع و فقه هم منبع ایجاد حقوق و هم منبع تکمیل آن‌اند.

مطابق آن چه ذکر شد، در نظم حقوقی کنونی اجرای شریعت در تمامی شئون روابط اجتماعی، بایسته‌ای محتوم و بی‌چون و چرا جلوه می‌کند. با وجود این، اجرای مزبور به دلایلی از قبیل آن چه ذیل می‌آید، آسان نیست:

۱) تقدّم احکام ثانویه بر احکام اولیه: پاره‌ای از احکام اولیه شرع به دلایلی همچون اضطرار، ضرورت و مصلحت اجراء نمی‌شوند؛ چنان که در قضیه تصویب قانون کار، قانون صدور چک یا صحه‌گذاری مجمع تشخیص مصلحت نظام بر قانون روابط موجر و مستأجر ۱۳۵۶ مشهود است.

۲) تفاسیر عرفی حقوق دانان مشهور: بسیاری از حقوق دانان برجسته، حوزه‌هایی نظیر حقوق

بر اساس قانون اساسی

به ویژه اصل چهارم آن،

اجرای شریعت در تمامی

شئون روابط اجتماعی،

بایسته‌ای محتوم و

بی‌چون و چرا جلوه

می‌کند. با این وجود،

تحقیق آن به دلایلی از

قبیل آن چه ذیل می‌آید،

آسان نبوده است



نشست‌های تخصصی



سخنرانی دکتر پاکتچی در جمع شورای دبیران علمی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی:

علوم انسانی در ایران: چالش‌ها و راهکارها



در نخستین نشست علمی از سلسله جلسات «بازشناسی وضعیت علوم انسانی در ایران» شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، دکتر احمد پاکتچی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و سفیر ایران در سازمان یونسکو در جمع شورای دبیران علمی به ایراد سخنرانی پرداخت. به گزارش دبیرخانه شورا، دکتر پاکتچی، سخنرانی خود را با عنوان «علوم انسانی در ایران: چالش‌ها و راهکارها: منظر جهانی به مسئله» در ششم شهریورماه سال جاری، به مدت ۴ ساعت در پژوهشگاه ایراد کرد. چنانچه از عنوان پیداست، پرسش اصلی در جلسات ناظر به چیستی مسائل جهانی در باره علوم انسانی از یک سو و شناسایی راهکارهای پیش‌رو در گستره بین‌المللی است.

ایشان در یادکرد از مهم‌ترین کلان مسائل علوم انسانی که در ابتدای سخنرانی اول خود ارائه داد، نخست به این نکته پرداخت که علوم انسانی در ایران به صورت پیشینه‌ای نیازمند به‌روشدن دارد تا بتواند مقتضیات عصر حاضر را برآورده کند و از سوی دیگر نیز علوم انسانی باید بتواند تعاملی سازنده با علوم اسلامی داشته باشد. وی با اشاره به خطیر بودن برقراری پیوند میان علوم انسانی و علوم اسلامی با انتقاد از برخی فعالیت‌های کم‌مایه در این زمینه، آنها را به خاطر نادیده انگاشتن بنیادها و رویکردهای کلان حاکم بر علوم انسانی مورد انتقاد قرار داد.

ایشان در ادامه به بنیادهای فلسفی جریان‌ها و طرز فکرهای غالب در علوم انسانی پرداخت. لیبرالیسم، اومانیسم، سکولاریسم، مارکسیسم، پراگماتیسم، رئالیسم، ایدئالیسم، اگزیستانسیالیسم، پدیدارشناسی و پسامدرنیسم از جمله بنیادهای فلسفی (ایسم‌های فلسفی) بود که توسط دکتر پاکتچی مورد توجه قرار گرفت. همچنین ساختارگرایی، رفتارگرایی، برساخت‌گرایی اجتماعی، تئوری گشتالت، تاریخی-گرایی و نظریه تکامل نیز از جمله جریان‌ها و طرز فکرهای غالب در علوم انسانی بود که توسط استاد مورد بحث قرار گرفت.

دکتر پاکتچی پس از تشریح بنیادهای فلسفی به این نکته پرداخت که علوم باید بنیاد فلسفی داشته باشند و علم بدون بنیاد فلسفی، ساختن بنا بر روی آب است. وی توضیح داد: آنچه قابل انتقاد است، تکیه کردن بر محصول، بدون توجه داشتن به بنیادهای فلسفی نظریه‌ها و دستاوردها است.

ایشان هم «آموزش و کاربست نظریه‌ها و دستاوردهای علوم انسانی بدون اعتنا به مبانی فلسفی آن» و هم «معرفی ناقص یا گزینش شده از مبانی فلسفی در

آموزش علوم انسانی» را مورد انتقاد قرار داد. این استاد دانشگاه در ادامه سخنرانی خود به نقد برخی از این بنیادهای فلسفی همانند نگرش‌های مارکسیستی، تجربه‌گرایی و توسعه‌روش‌های تجربه‌گرا به حوزه علوم انسانی نیز پرداخت.

دکتر پاکتچی در بخش دوم سخنرانی خود، «غرب‌گرایی در علم» را مورد توجه قرار داد و ضمن یادکرد روندها و دوره‌های یونان-رُم، اروپای قرون وسطی، رنسانس، رفرماسیون و روشنگری، اکتفا کردن به این صورت‌بندی و بی‌توجهی به کانون‌های تمدن و علم بیرون از تمدن غربی همانند تمدن‌های چین، هند، روسیه، جهان عرب و ترکیه، ژاپن، آمریکای جنوبی را مورد انتقاد قرار داد و در ادامه به نقد «انگلیسی‌محوری» در علم به ویژه وضعیت علوم انسانی در ایران و کم‌توجهی به متون و دانش‌های تولید شده به زبان‌های اروپایی غیر انگلیسی به تفصیل پرداخت.

دکتر پاکتچی انگلیسی‌محوری در علم را به معنای مهاجرت آثار به دیگر زبان‌های شناخته‌شده مانند فرانسوی، آلمانی، روسی و... در حوزه‌های علوم مختلفی مانند زبان‌شناسی، علم فرهنگ، نشانه‌شناسی، حوزه عدالت و... دانست. فراتر از آن نیز با توسعه گفتمان انگلیسی‌محوری به مهاجرت آثار به دیگر زبان‌های نامشهور غربی در فضای علوم انسانی همچون زبان‌های ایتالیایی، دانمارکی، اسپانیولی، پرتغالی، چک و اسلواکی، لهستانی، مجارستانی و... در علوم و حوزه‌هایی مانند زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی، فلسفه، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، تاریخ، نظریه‌های هنر، علم و فناوری، اقتصاد سیاسی، قوم‌شناسی، فرهنگ، ترجمه‌بینان‌شناسی، زیبایی‌شناسی، نظریه‌های ادبی و... اشاره کرد. ایشان برای تک‌تک علوم و حوزه‌های علمی یادشده با ملاحظه تنوع زبانی اشاره شده به یادکرد برخی نمونه‌ها پرداخت.

به عنوان نمونه در حوزه زبان‌شناسی و تأثیر حاکمیت گفتمان انگلیسی‌محوری و مهاجرت دیگر آثار علمی نگاشته‌شده به زبان‌های غیر انگلیسی گفت: انگلیسی‌محوری موجب شد که محوریت چامسکی در زبان‌شناسی سال‌های اخیر بیشتر شود و زبان‌شناسانی امثال هومبولت، وایسگربر و تریر ناشناخته باقی بمانند. وی به عدم توجه به زبان‌شناسی اجتماعی نیکلای مار (Nikolai Marr)، عدم توجه به بندشناسی (جمله‌شناسی) روسی (Phraseology)، عدم توجه به تبار روسی نشانه‌شناسی (گوستاو اشپت و آندری بلی، اکتفا به سوسور و پیرس)، ناشناختگی آثار زبان‌شناسان چک به رغم اهمیت مکتب پراگ و در کل، مهاجرت آثار به زبان‌های نامشهور غربی اشاره نمود. در مجموع وی با اشاره به مغفول ماندن تولیدات دانشی ارزشمند و بی‌بديل در زبان‌هایی چون روسی، اسپانیولی و پرتغالی، حوزه مربوط به اسکاندیناوی، حوزه اروپای شرقی، اروپای مرکزی و حتی زبان‌های مادری مثل آلمانی و فرانسوی در علوم انسانی ایران، آن را مایه نقصان آن دانست، چیزی که امکان تعامل و پیوند علمی واقعی میان سنت فکری ما و بسیاری از نظریات جهانی علوم انسانی را پیشاپیش سلب نموده است. وی از سوی دیگر اکتفا کردن به زبان انگلیسی نزد محققان علوم انسانی در ایران و فقدان آگاهی از دیگر زبان‌های علمی را یکی از نقیصه‌های مهم وضعیت ما در علوم انسانی دانست، به نحوی که دسترسی ما به منابع علمی جهانی را غالباً از درجه متون و کتب انگلیسی زبان قرار داده و تأکید مقام معظم رهبری بر توسعه و تکثر آموزش زبانی را در این زمینه بسیار مهم قلمداد نمود. دکتر پاکتچی ارائه‌اش را با این نکته که انگلیسی‌محوری در علم موجب شده که جهان علم شاهد شرایط بسیار نامساعد در باره آثار دانشمندان غیر غربی باشد، به پایان برد.



دکتر پاکتچی در جمع شورای دبیران علمی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی ارائه کرد:

بایسته‌های استقلال و تعاملات زبانی در حوزه تولید علم

می‌تواند پاسخ‌های مناسب‌تری را برای ما فراهم کند. دکتر پاکتچی در پاسخ به سوال دکتر بلخ، دبیر گروه علوم اجتماعی شورای بررسی متون که چرا ساده‌سازی و سلب تاریخ، زبان و فرهنگ از مفاهیم در جهان انگلو-آمریکن قدرت تولید می‌کند؟ گفت: زبان انگلیسی هم اکنون واسط زبانی میان فرهنگ‌های مختلف شده است و این ساده‌سازی ضرورت انتقال به دیگر فرهنگ‌ها است و هر گاه اندیشه‌ای به زبان دیگر ترجمه می‌شود، ناگزیر بخشی از ایده اصلی آن از قلم می‌افتد و به عبارتی انتقال کامل اندیشه در ترجمه به زبان انگلیسی صورت نمی‌گیرد و معنای متن دچار ریزش می‌شود.

دکتر پاکتچی با ذکر نمونه‌هایی به ضعف ترجمه انگلیسی کتب تراز اول حوزه علوم انسانی اشاره کرد و گفت برای نمونه کتاب ویکوتسکی با عنوان «زبان و تفکر» که با همین نام به انگلیسی ترجمه شده و اغلب به همین منبع انگلیسی نیز استناد می‌شود، نسبت به متن اصلی دچار ایرادات جدی است. ترجمه انگلیسی این اثر ویکوتسکی بسیار به ایده و اندیشه مؤلف ضربه زده است و اگر به منبع اصلی مراجعه شود، مشاهده می‌کنیم که حتی در عنوان کتاب نیز این ایراد به وضوح به چشم می‌خورد و این نکته را تأیید می‌کند که چطور این گونه ترجمه‌ها، مفاهیم را از هم گسسته می‌کند.

تفکر ما در زبان
فارسی، انگلیسی محور
شده است. به عبارتی،
ما به انگلیسی فکر
می‌کنیم و فارسی
می‌نویسیم و تا
وقتی که اینگونه
تفکر می‌کنیم، تحت
هژمونی و سلطه فکری
باقی می‌مانیم

گزل شافت (Gesellschaft و Gemeinschaft) را داریم که توسط متفکران علوم اجتماعی و انسانی در زبان‌های غیرآلمانی نیز مورد درک و پذیرش قرار گرفته است. دکتر پاکتچی با ذکر مصادیق غرب‌محوری و انگلیسی‌محوری در زبان و فرهنگ کشورهای مختلف و از جمله ایران، عنوان کرد: غرب‌محوری، مسئله چندین دهه‌ای ما است و انگلیسی‌محوری هم دو دهه است که به سطح مسئله برای ما رسیده است. وی از انگلیسی‌محوری به عنوان یک چالش جهانی نام برد و گفت: چالش‌های جهانی علوم انسانی

دکتر احمد پاکتچی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و سفیر ایران در سازمان یونسکو در دومین جلسه از سلسله جلسات «بازشناسی وضعیت علوم انسانی در ایران» شورای بررسی متون پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی که سیزدهم شهریورماه سال جاری در پژوهشگاه برگزار شد، به ارائه بخش دوم مطالب خود پرداخت.

وی در جمع شورای دبیران علمی شورا، زمانی را برای پرسش و پاسخ در خصوص موضوع سخنرانی خود با عنوان «علوم انسانی در ایران: چالش‌ها و راهکارها: منظر جهانی به مسئله» اختصاص داد. دکتر پاکتچی سه‌گانه فرهنگ، تاریخ و زبان را به عنوان مثلث اساسی‌ای که پروژه شخصی‌اش در الهیات و زبان‌شناسی را راهبری می‌کنند، مورد توجه قرار داد و با این بیان که علی‌رغم آن که ما در فلسفه متوجه زبان‌مندی و تاریخ‌مندی تفکر هستیم و آن را به عنوان امری پذیرفته شده مورد توجه قرار می‌دهیم، اما عملاً در حوزه علوم انسانی، اندیشه‌ها و نظریات را فارغ از توجه به زبانی که در آن بالیده‌اند و تاریخی که در آن به بار آمده‌اند، بررسی می‌کنیم. وی با بیان نمونه‌هایی از متفکرانی که به دو زبان قلم زده‌اند همچون رنه دکارت، گئورگ لوکاچ، شیخ شهاب‌الدین سهروردی و... تفاوت‌های اندیشه‌های ایشان در دو زبان مختلف را یادآوری کرده و آن را به دلیل ظرفیت‌های زبانی و فرهنگی زبان‌های مختلف برشمرد.

وی در ادامه با اشاره به وضعیت زبانی علوم انسانی در ایران، یکی از عوامل مهم فقر نظریه‌پردازی اصیل در علوم انسانی ایران را انگلیسی‌فکر کردن محققان علوم انسانی برشمرد و با تأکید بر لزوم توجه به غناء بخشیدن به زبان فارسی در حوزه تولید دانش اظهار داشت: ما به انگلیسی فکر می‌کنیم و فارسی می‌نویسیم و تا وقتی که اینگونه تفکر می‌کنیم، تحت هژمونی و سلطه فکری باقی می‌مانیم. دکتر پاکتچی در توضیح بیشتر این مسئله گفت: تفکر ما در زبان فارسی، انگلیسی‌محور شده است؛ به گونه‌ای که وقتی در فضای آکادمیک به «جامعه» و «اجتماع» می‌اندیشیم به صورت ناخودآگاه معادل انگلیسی آن society و community در ذهن ما متبادر می‌شود، این در حالی است که در زبان آلمانی، ابداع اجتماع و جامعه به گماین شافت و





سخنرانی دکتر طباطبایی، مدیر گروه فلسفه شورای متون در شورای دبیران:

نقادانه‌زیستن، اصلی‌ترین ویژگی دانش است



دکتر محمدتقی طباطبایی، عضو هیات علمی دانشگاه تهران و مدیر گروه فلسفه شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی در ادامه سلسله جلسات بازشناسی وضعیت علوم انسانی در ایران، در نوزدهمین جلسه شورای دبیران در ۲۲ آبان ماه سال جاری به سخنرانی پرداخت.

دکتر طباطبایی در ابتدای سخنرانی، به علاقه پژوهشی خود به تحولات فکری و سیر نوشته‌های فلسفی معاصر در ایران اشاره کرد و گفت: در میان اهل فلسفه ایران، فراخوانی پرشور به فلسفه و اندیشیدن به مسائل ایران وجود دارد که از جهت نوع استدلال و شیوه پرداختن، به شکلی غیرفلسفی با آن مواجهه شده است. در اینجا این سؤال پیش می‌آید که چرا بهترین چهره‌های فلسفی معاصر ما، هنگامی که می‌خواهد به فلسفه فراخواند و به مسائل ما بپردازند، به شکلی غیرفلسفی این کار را می‌کنند؟

رئیس گروه فلسفه شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، در ادامه با طرح این پرسش که چرا آن دانایی در موقع عمل کار نمی‌کند، منشأ آن را درک نادرست از «دانش» دانست. طباطبایی افزود: در اینجا ما نمی‌دانیم که نمی‌دانیم؛ چون اطلاعات زیادی از آن داریم!

دکتر طباطبایی بحث خود را به دوران رنسانس و سرآغاز علم جدید برد و گفت: بورکهارت می‌گوید در رنسانس یک نحو بودن شکل گرفت؛ نه کثرتی از دانش. دانش مرد دانش بودن است که با کشف فردیت ممکن می‌شود. وی توضیح داد: ویژگی اصلی این نحو بودن، طلب استقلال در داوری و نفی پیروی از دیگران است. وی به توهم دانایی و جهل نسبت به نادانی اشاره کرد و گفت: فرهنگ رنسانس در اروپا از آنجا قدرت گرفت که دانش در برابر غیردانش، واقعیت‌مندی و توانمندی خود را نشان داد.

طباطبایی ادامه داد: بلافاصله بعد از این طلب فراگیر، شک فراگیر پدید می‌آید. ما این شک را نداریم و برعکس، هر چه جلوتر رفتیم، دانایان شدید. این شک ما را به روش و به دنبال آن، به تقدیمی رساند. نقد کردن، نقادانه بودن و نقادانه زیستن، به معنای دانشمند بودن است.

این استاد فلسفه دانشگاه تهران، با اشاره به اینکه دانش امری صرفاً نظری نیست و به نحوه بودن ما مربوط است، گفت: دانایی و «بودن دانشی» در پیوند با زندگی کردن است. نقادانه زیستن، اصلی‌ترین ویژگی دانش است و در شورای بررسی متون، این ایده می‌تواند گسترش پیدا کند.

وی در ادامه گفت: مسئله اساسی ما، کار فلسفی و اندیشیدن متافیزیکی است، بدون ارجاع به دیگر فلاسفه. قلب این مسئله، بودن نقادانه است. نقادانه زیستن، نحوی بودن است و اصل محوری فلسفیدن.

دکتر طباطبایی ادامه داد: روح فرهنگ برجسته‌ای که داشته‌ایم، این نحوه بودن را آرموده و تجربه کرده است. پس از سخنرانی دکتر طباطبایی مباحثه‌ای بین اعضای حاضر در جلسه صورت گرفت. ابتدا دکتر تقی زاده دبیر گروه علوم سیاسی شورای متون، گفت: معمولاً گفته می‌شود ما در حوزه نظر دانایی داریم؛ اما در حوزه عمل ناتوانیم و ضعف داریم. ما مناقشه را به خود مسئله دانستن می‌بریم. وی ادامه داد: اینجا به یاد کانت می‌افتیم که در مقاله مشهورش، از شجاعت دانستن می‌گفت. اما مگر خطری در دانستن هست؟ مگر مدرسه و دانشگاه، آرام‌ترین نقاط شهر نیست؟

تقی زاده افزود: اگر شجاعت و دانایی به هم گره خورده است و دانایی شجاعت می‌خواهد، یعنی دانش در ذات خود، خطری را متوجه ما می‌کند. اما دانش چگونه دانستنی است که ما را گرفتار خطر می‌کند؟ این خطر از کجا ناشی می‌شود؟ چگونه خطر دانش می‌تواند دانایی را در نسبت با زندگی و متعلق به آن قرار دهد؟ دکتر شفاه در ادامه گفت و گو با رئیس گروه فلسفه شورای بررسی متون علوم انسانی گفت: انسان چون نطق دارد، از جهان غایب می‌شود و احساس تنهایی

می‌کند؛ درست در لحظه‌ای که احساس شخصیت می‌کند. گویی جهان در برابر گفتار من نوعی سکوت اتخاذ می‌کند و لابلش شرط است. وی ادامه داد: ما که راهی جز نطق و حکم کردن، راهی برای مستقل بودن و شخصیت داشتن نداریم، با این سکوت چه کنیم؟ دشواری اینجا است که به رغم اینکه انسان نمی‌تواند نطق کند، باید نطق کند.

در ادامه، دکتر طباطبایی استاد فلسفه دانشگاه تهران با بیان اینکه کشف فردیت، کشف همین ضعف است، پاسخ داد: کسی می‌تواند آن سکوت را بفهمد که تنهایی خودش را فهمیده باشد. فرد دانشی که استقلال در داوری پیدا کرده باشد، می‌تواند تنهایی و معنای سکوت را بفهمد.

رئیس گروه فلسفه شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی گفت: نسل ما تنهایی را درک کرده و این، امکان گفت‌وگو را برای ما فراهم می‌کند.

دکتر طباطبایی در ادامه در پاسخ به محورهای سوالات مطرح شده در این نشست گفت: استقلال در داوری که نقطه آغاز است، بودن خطرناکی است؛ اما تنها شکل بودن انسانی است و گریزناپذیر است. به همین جهت است که چاره‌ای نداریم جز اینکه از سکوت حرف بزنیم. وی در خصوص مسئله فراغت و نسبت دانایی و زندگی گفت: زندگی انسانی، زندگی دانشی است. زندگی و زیست دانشی، به خودی خود ارجمند است و این زندگی، فراغت از چیزهای دیگر به دنبال می‌آورد. استاد فلسفه دانشگاه تهران افزود: به گفته بابا افضل، ما باید از دانستگی به دانندگی برسیم و متوجه این باشیم که همه کسانی که نقطه عطفی در دانش به وجود آورده‌اند، زندگی خودشان را وقف دانش کرده‌اند. وی در پایان گفت: حقیقت و خطا شبیه‌ترین چیزها به هم هستند. رابطه این دو، شبیه رابطه نور و تاریکی نیست که به سادگی قابل تشخیص باشند. به همین جهت است که تنها رویکرد نقادانه می‌تواند نجات‌بخش باشد.

**دکتر محمدتقی
طباطبایی: دانایی و
«بودن دانشی» در
پیوند با زندگی کردن
است. نقادانه زیستن،
اصلی‌ترین ویژگی
دانش است و در شورای
بررسی متون، این ایده
می‌تواند گسترش
پیدا کند**



سخنرانی دکتر میرمهدی در شورای دبیران شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی:

ترجمه به مثابه حرفه



شانزدهمین جلسه شورای دبیران شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی در یکم آبان ماه سال جاری برگزار شد. در این جلسه، دکتر سید محسن میرمهدی دکتری فلسفه از دانشگاه آزاد برلین در ادامه سلسله نشست‌های بازنشاسی وضعیت علوم انسانی در ایران، سخنرانی خود را با عنوان «ترجمه به مثابه حرفه» ایراد کرد.

میرمهدی در این نشست در ابتدای سخنرانی خود اظهار داشت: ترجمه متن، ترجمه فرهنگ نیست چرا که فرهنگ ترجمه نمی‌شود و این لغت است که ترجمه می‌شود و این اشکال بزرگی در ترجمه است که مفهوم منتقل نمی‌شود.

وی در ابتدای جلسه به تجربه زیسته خود و شکل‌گیری مباحث اسلام‌هراسی و تروریسم در غرب و مروری بر سیر جریان‌های فکری در طول تاریخ علم پرداخت و در ادامه در قالبی مشارکتی و گفت‌وگویی به مبحث ترجمه و فرهنگ پرداخت و در خصوص ابعاد و پیچیدگی ترجمه متون حوزه علوم انسانی گفت: مترجم‌هایی که متن‌هایی مثل آثار آدورنو و هورکهایمر را نیز به صورت جدی ترجمه کرده اند همواره محتاطانه با متن اصلی برخورد کرده اند. دکتر محمدحسن نبلی دبیر شورای متون نیز ضمن اشاره به بی‌مسئولیتی برخی مترجم‌ها در ابداع واژگان بی‌ربط، به موضوع دیگری در حوزه ترجمه نیز اشاره کرد و گفت: ذهنیتی در بین مترجمان ما وجود دارد که فاصله بین زبان مبدأ و مقصد مناقشه برانگیز است؛ این در حالی است که گاهی اصل مناقشه در زبان مبدأ وجود دارد. برای مثال، تلقی هابرماس و گادامر از «سنت» متفاوت است و این مسئله مناقشه‌آمیز را نمی‌توان در ترجمه حل کرد چرا که این مناقشه در سطح اندیشه مؤلف وجود دارد و صرفاً مشکل از ترجمه نیست. بنابراین شاید پرداختن به ادبیات متن و اینکه در ملتقای چه سنت‌های علمی است، راه برای انتقال معانی و ترجمه دقیق آسان تر کند.

آقای کشفی دبیر گروه مدیریت و سیاست گذاری شورای متون، در این نشست به سنت ترجمه متون فلسفی و علوم اجتماعی در قالب فصلنامه ارغنون اشاره کرد و گفت: جریانی که نظم سیاسی جدید را دنبال می‌کردند و مباحثی مثل زیباشناسی، روانکاوی و دیالکتیک روشنگری را مطرح کردند، نوعی واکنش به سیاست فرهنگی در دهه هفتاد را رقم زدند و به عبارتی می‌توان گفت ترجمه برای این جریان فکری از مسئله شروع شده است.

آقای شفا دبیر گروه علم و فناوری شورای متون در ادامه مباحثات به یک نمونه از دشواری‌های ترجمه

است و این لغت را از زبان‌های باستانی ایران مثل زبان پهلوی استخراج کرده است. مترجم در چه موقعیتی می‌تواند بگوید من ترجمه کردم و یا اینکه باید در موقعیت مولف قرار بگیرد؟

در ادامه دکتر میرمهدی با طرح «عادت و پیش داشته‌های ذهنی مترجم» گفت: معلق بودن مطلق مترجم نسبت به متن اصلی ممکن نیست. وی به یک نمونه جهت‌گیری ذهنی مترجم در خصوص الهیات در متن کتاب دین، قدرت و جامعه ماکس وبر (ترجمه احمد تدین) پرداخت و گفت این پیش داشته‌های مترجم خاص مترجمان فارسی نیست و این موضوع در ترجمه‌های انگلیسی هم به چشم می‌خورد و رگه‌هایی از آن را حتی می‌توان در ترجمه کوهن از آثار وبر نیز دید. وی افزود: ما با عادات ذهنی خود، بخشی از واقعیت اجتماعی را ترجمه می‌کنیم و مواضع و عقاید خود را وارد متن می‌کنیم.

دکتر میرمهدی در پایان نقدی بر وضعیت خوانش فلسفه در دانشگاه‌ها وارد کرد و گفت: گاهی متن فلسفی مثل متن اینستاگرامی خوانده می‌شود این در حالی است که نحوه خوانش متون بر سیر اندیشه تأثیر می‌گذارد.

وی با تأکید بر این نکته اظهار داشت: بیوگرافی کانت و هگل در هر کلمه از دو متن این دو فیلسوف تجلی پیدا کرده است و برای مثال مفهوم روشنگری که متأثر از فضای دوران هگل و در متون و اندیشه ایشان کاملاً برجسته شده است.

در متن اشاره کرد و گفت: گاهی کلمات در تاریخ فرهنگ مبدأ، معنایی را افاده می‌کند که آن کلمه در زبان مقصد وجود ندارد و چون آن داستان در تاریخ و فرهنگ مقصد وجود ندارد، ترجمه آن کلمه و مفهوم نیز دچار مسائلی می‌شود.

دکتر تقی زاده دبیر گروه علوم سیاسی نیز اظهار داشت: ما شاهد بوده ایم که در برخی ترجمه‌ها مثل کتاب «سنجش خرد ناب» اثر ایمانوئل کانت با ترجمه میرشمس‌الدین ادیب سلطانی به حدی دقت در حصول به معنای دقیق به خرج داده شده که فهم متن را دچار مشکل کرده است. مثلاً وی شهود (intuition) را سهش (سپیدن) ترجمه کرده

دکتر میرمهدی با طرح «عادت و پیش داشته‌های ذهنی مترجم»: «معلق بودن مطلق مترجم نسبت به متن اصلی ممکن نیست، ما با عادات ذهنی خود، بخشی از واقعیت اجتماعی را ترجمه می‌کنیم و عقاید خود را وارد متن می‌کنیم»



با مشارکت شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی

بحران علم در دوگانه علوم انسانی آکادمیک و عامه پسند

بنیاد عملی تئوریک

دکتر مهدی معین زاده، مدیر پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی و عضو گروه مطالعات علم شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی به سخنرانی در موضوع «بنیاد عملی تئوریک» پرداخت.

وی در ابتدای سخنرانی خود بیان داشت: لذت متنی که می خوانیم بستگی تام دارد به اینکه درگیری قبلی با آن داشته باشیم. وی در ادامه به تقدم عمل بر تئوری در سه قالب فرونسیس ارسطو و برداشت هایدگر و گادامر از آن پرداخت.

وی به معنای متن در اندیشه گادامر اشاره کرد و گفت: ما از متن نمی جوئیم مگر طرح مان را! به عبارتی اگر متن با ما ارتباط برقرار کرد آن متن از ما است و اینجاست که به گفته گادامر حقیقت هر دو فراتر می رود. چرا که طیفین گفت و گو با زیچه لوگوس هستند و امکان گفت و گو را فراهم می سازد.

دکتر معین زاده در ادامه به کتاب تلائم نظر و عمل در تلقی از علوم انسانی به مثابه فرونسیس اشاره کرد و گفت: اگر قرار باشد که فرونسیس بخواد بنیاد علوم انسانی قرار بگیرد به چه نحوی ممکن است این موضوع را پیش ببرد.

میزگرد بحران علم

میزگرد تخصصی، بخش دوم این برنامه علمی شورا به مناسبت هفته پژوهش بود که با عنوان بحران علم در دوگانه علوم انسانی آکادمیک و عامه پسند و با حضور دکتر محمد هادی محمودی و دکتر سید مهدی ناطمی برگزار شد و دبیر علمی آن را دکتر علیرضا بلیغ، دبیر گروه علوم اجتماعی شورای بررسی متون برعهده داشت.

در این میزگرد در خصوص ضرورت فهم جدیدی از عمومیت علم در دانشگاه های علوم انسانی پرداخته شد عنوان شد، اگرچه مسئلهی مصرفی شدن و نمایشی شدن را به باید عنوان یک خطر و زوال برای علم و دانشگاه های علوم انسانی در نظر گرفت اما فرصت علم را زیستن در میانه این بحران میسر است و باید به استقبال این خطر رفت.

به عبارتی، باید عقلانی و نه یادوگانه سازی با این موضوع برخورد کرد و در اصل باید به جستجوی سرآغاز تاریخ علم و تفکر بپردازیم و جدی تر با پرسش های جدید و مخاطرات علم مواجهه شویم.

علمی و گفت و گوی انتقادی با آن ها یعنی در نقاط سرآغاز امکان پذیر نیست. بنابراین شورای بررسی متون که با درک عمیق از تحول و ارتقای علوم انسانی تاسیس شده است، در دوره جدید فعالیت جدید از طریق گفت و گوی عمیق با متون پژوهشی، اصلی، مرجع و جریان ساز در حوزه عمومی را دنبال می کند.

تذکر در علم از تفکر جدا نیست

دکتر سید محمد تقی چاوشی، عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و عضو گروه فلسفه شورای بررسی متون از دیگر سخنرانان علمی این برنامه بود که سخنرانی خود را با عنوان «نقد به مثابه امکان پرش از علوم انسانی» ارائه کرد.

دکتر چاوشی اظهار داشت: علم از متافیزیکی زاینده شد و فضای متافیزیک فضایی است که ما در آن حضور داریم و در آن زندگی می کنیم. فلسفه در زمان ما تنها کاری که می تواند کند این است که متذکر باشد و تصور نکنیم تذکر امر پیش پا افتاده ای است و به عبارتی، نمی توان تذکر را از تفکر جدا دانست.

وی در ادامه به متن و نقد متن پرداخت و گفت: نقد نامی است که کانت برای فلسفه خود انتخاب کرد و با کانت بود که بحث نقادی وارد فلسفه شد.

شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی به مناسبت هفته پژوهش، برنامه «بحران علم در دوگانه علوم انسانی آکادمیک و عامه پسند» را در بیستم آذرماه سال جاری در سالن تمدن پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار کرد.

نقد های گفتمانی به جای نقد نقطه ای

در ابتدای این برنامه علمی شورای بررسی متون، دکتر عادل پیغامی، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و رئیس گروه اقتصاد شورای بررسی متون به ارائه سخنرانی با عنوان «الزامات علمی ساخت زیست بوم نقد» پرداخت.

وی در ابتدای صحبت های خود به نقل از توماس کوهن، گذری به عنوان این برنامه داشت و بحران علم را در شرایطی عنوان کرد که گفت و گوهای بین پارادایم ها از میان رفته باشد.

دکتر پیغامی در ادامه گفت: علوم انسانی باید در زیست بوم واقعی مردم خودش را بشناسد و جایابی کند و جریان نقد، یکی از پنجره هایی است که سعی می کند به علم پویایی دهد و اتصال آن را به نخبان مردم برقرار سازد.

وی این سوال را مطرح کرد که اگر جریان نقد باید به علم این پویایی را دهد پس چرا ما کرسی های نقدی نداریم که حوزه عمومی را درگیر کند؟ دکتر پیغامی در ادامه با عنوان کردن انواع نقد، با بیان اینکه جریان و روش شناسی نقد علمی در کشور ضعیف است، نسبت به نقد نقطه ای و موردی انتقاد وارد کرد و گفت: نیازمند نقدهای جریان شناسانه و گفتمانی در حوزه علوم انسانی هستیم.

نقادی در نقاط سرآغاز سنت های علمی

دکتر محمد حسن نیلی دبیر شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی از جمله سخنرانان این برنامه بود که با ارائه سخنرانی خود با عنوان «بازشناسی علوم انسانی از طریق نقادی سنت های علمی» پرداخت.

وی عنوان کرد: تصور ما این است که تحول علوم انسانی و بازیابی میراث ایرانی- اسلامی در این حوزه و تجربه عمیقی که ملت ایران در انقلاب اسلامی جز در نقادی عمیق سنت های





گزارشی از سلسله جلسات

پرسش از متن

دکتر سید محمد تقی چاوشی با بیان این که راهی برای عبور از متافیزیک در فلسفه وجود ندارد، مهمترین وظیفه فلسفه را تذکر به فرار گرفتن مان ذیل متافیزیک دانست. وی این تذکر را در توجه به اموری دانست که ناظر به اموری فراسوی سنت تاریخی متافیزیک قرار دارند؛ اموری همچون فتوت یا عرفان خراسانی (آنچه در صدرها به عنوان چهره صوفیه از ایشان یاد شده)، غربت انسان و سفر او و نیز توجه به نقاط تاریخی ای که ناظر به امری فراسوی متافیزیک تقویم یافته اند، مثل انقلاب سال ۵۷. وی انقلاب اسلامی را حاوی تذکری به فراسوی متافیزیک عنوان کرد که البته به تدریج از آن غفلت صورت گرفت به نحوی که اکنون کاملاً در متافیزیک غوطه ور هستیم.

وی در ادامه با بیان اهمیت امر منفرد در گفتار اسطوره ای و با ذکر اینکه در متافیزیک امر منفرد یا singular هیچ ارزشی ندارد و امور در دوگانه کلی و جزئی و ذیل مفاهیم قرار می گیرند، پرسش بنیادین علوم انسانی را قرار دادن امر منفرد انسانی در ذیل مفاهیم و به عبارت دیگر ذیل متافیزیک دانست. چیزی که می تواند برای طرح ما از پرسش متن کاملاً اساسی باشد و قوام بخش علوم انسانی.

لازم به ذکر است سلسله جلسات پرسش از متن یکشنبه ها ساعت ۱۳ الی ۱۴:۳۰ در سالن نشست های شورای بررسی متون در طبقه اول پژوهشگاه علوم انسانی (اتاق ۱۲۶) برگزار می شود و تا کنون پنج جلسه از آن برگزار شده است.

حلولی بودن، غیب را در امر مشهود تخلیه می کند و متدیک بودن، حقیقت را به متد تقلیل می دهد. این استاد برجسته فلسفه کشورمان سپس با توضیح فلسفی هر یک از این ابعاد چهارگانه، به اهمیت انسان در هستی اشاره کرد و بیان داشت که بدون انسان همه چیز در تفرقه است، و این انسان است که پیوند می دهد و آشکار می کند. اما مسئله در نحوه مواجهه انسان قرار دارد.

وی با بیان اینکه متافیزیک از پارمنیدس آغاز می شود و سه دوره اصیل فلسفه یعنی دوره یونانی، ایرانی-اسلامی و آلمانی همه در آن قرار دارند، دکارت را موجد غلبه تام متافیزیک و ارکان چهارگانه آن ذکر نمود. وی با بیان اینکه ما در فلسفه خودمان که در صدرها به طور بارزی متجلی است، متافیزیک را دنبال کرده ایم. این عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی با ذکر مثال هایی چند از متون صدرا المتالیهین نشان داد که چگونه غیب علی رغم حضور چشمگیر مفهومی در حکمت متعالیه، به معنای واقعی کلمه در طرح او کنار گذاشته شده است. وی با مقایسه مواجهه مفهومی ما با مواجهه حضوری آیات قران، آن را ناشی از سیطره متافیزیک دانست، چیزی که عمیقاً ما را در برگرفته است.

سلسله جلسات پرسش از متن با ارائه استاد ارجمند جناب آقای دکتر چاوشی استاد فلسفه پژوهشگاه علوم انسانی و عضو گروه فلسفه شورای بررسی متون، یکشنبه ها در شورای بررسی متون برگزار می شود. این جلسات با موضوع شرایط فلسفی پرسش از متن برگزار می گردد و بنا دارد زمینه های کشف پرسش هایی که متن پیش روی ما قرار می دهد را فراهم سازد.

دکتر چاوشی در این سلسله جلسات با بیان اینکه متن تنها وقتی می تواند پرسشی را پیش روی ما قرار دهد که آن به نحوی در ما حاضر بوده باشد، بر این نظر است که ما عمیقاً در سنت تاریخی متافیزیک قرار داریم و بدون تذکر به این موقعیت تاریخی، نمی توانیم پرسش خودمان را به درستی پیدا کنیم. این عضو گروه فلسفه شورای بررسی متون در این جلسات با ذکر چهار ویژگی اصلی متافیزیک

یعنی سوژکتیویته، اومانیسیم یا اومانیته، متدیک بودن و حلولی بودن امور، ابعاد بنیادین متافیزیک را بازخوانی نمود. سوژکتیویته که البته فراتر از سوژکتیویسم هست آگاهی را محوریت می بخشد، اومانیسیم، ایده مطابقت در حقیقت و دوگانه سوژه-ابژه را دنبال می کند،



با مشارکت شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی

چهارمین همایش ملی خیر ماندگار برگزار می شود

پژوهشگران در حوزه امر خیر زمینه سازی برای نزدیک تر شدن بازیگران عرصه پیشرفت در بخش های دولتی، خصوصی و غیر دولتی هدایت فعالیت های خیریه به دانش بنیان شدن تلاش برای ایجاد ساختارهای رسمی در راهبری امر خیر در ایران جلب توجه سیاستگذاران حوزه عمومی به امر خیر و نقش آن در حیات اجتماعی گفتمان سازی درباره امر خیر و تأثیر آن در مدیریت جامعه یادآور می شود این همایش به همت پژوهشگاه آلاء (تحت اشراف مرکز خیر ماندگار و بنیاد خیریه راهبری آلاء برگزار می شود.

چهارمین همایش ملی خیر ماندگار با موضوع «ظرفیت ها و کارکردهای نیکوکاری و وقف در پیشرفت ایران (ارزیابی وضعیت اکنون و چشم انداز آینده)»، ۱۳ و ۱۴ اسفندماه سال جاری با مشارکت شورای بررسی متون و علوم انسانی برگزار می شود. چهارمین همایش ملی خیر ماندگار با موضوع «ظرفیت ها و کارکردهای نیکوکاری و وقف در پیشرفت ایران (ارزیابی وضعیت اکنون و چشم انداز آینده)»، ۱۳ و ۱۴ اسفندماه سال جاری با اهداف ذیل برگزار می شود:

تقویت و ارتقای جایگاه پژوهش و نوآوری و تولید علم نافع در حوزه امر خیر
ایجاد فرصت گردمایی و گفت و گوی عالمان و



به همت گروه علوم سیاسی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی برگزار شد:

نشست نقد و بررسی کتاب نظام ملی اقتصاد سیاسی

نشست نقد و بررسی کتاب نظام ملی اقتصاد سیاسی اثر فردریش به همت گروه علوم سیاسی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی در ۶ آذرماه سال جاری در دانشگاه امام صادق (ع) برگزار شد. این نشست علمی با حضور دکتر دره شیری هیئت علمی دانشگاه مالک اشتر، دکتر نعمتی هیئت علمی دانشگاه امام صادق علیه السلام و دکتر تقی زاده طبری دبیر گروه علوم سیاسی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی تشکیل شد.

در این نشست تلاش شد، کتاب «نظام ملی اقتصاد سیاسی» که کمتر در ایران خوانده شده است، معرفی و به بحث گذاشته شود و دلالت‌های آن برای وضع ایران کشف شود. چرا که فردریش لیست بی تردید از مهمترین چهره‌هایی است که با نقد رادیکال اسمیت تلاش کرد تا پای نگاه ملی را به فهم اقتصادی باز کند. توجه به اندیشه‌های او که همواره با نگرش تاریخی همراه است گفت‌وگوهای اقتصادی را با لایه‌های عمیق‌تری آشنا خواهد کرد.

در ابتدای جلسه دکتر دره شیری مقاله خود را ارائه کرد و وجوه متمایز اندیشه لیست را در برابر اسمیت نشان داد و مشخصا تاکید بر ملت به عنوان واحد تحلیل اقتصاد داشت. در ادامه دلالت این حرف در اقتصاد ایران واکاوی شد و در نسبت با شکل‌گیری زنجیره ارزش ملی قرار گرفت.

دکتر نعمتی از ضرورت طرح بحث لیست برای اقتصاد امروز ایران سخن گفت و تلاش نمود تا نشان دهد که اقتصاددانان هترو دوکس به ما امکان یافتن راه متمایز خود در توسعه و خلاصی از تسلط اقتصاد مسلط را خواهند داد.

دکتر تقی زاده تلاش کرد تا نشان دهد که نقد رادیکال لیست در پی طرح بحث تازه‌ای از معنای سود و منفعت در اقتصاد بود. لیست فکر می‌کرد تنها در نسبت با قدرت ملی امکان محاسبه سود ممکن می‌شود.

نشست تخصصی چپستی نحو وجود فرهنگ
با مشارکت شورای بررسی متون برگزار شد:

فرهنگ به مثابه معنای انباشته

نشست تخصصی «چپستی نحو وجود فرهنگ» با ارائه استاد یزدان پناه و با نقد و بررسی اساتید رشاد و پارسانیا و دبیری دکتر مسعود اسماعیلی در دانشگاه باقرالعلوم (ع) و با حضور اساتید و محققان مطالعات فرهنگی و اجتماعی در ۲۶ آبان ماه سال جاری برگزار شد.

در این نشست استاد یزدان پناه مولف «چپستی نحوه وجود فرهنگ» پس از بیان مقدماتی در باب «ساحت تعامل در انسان» و «انسان در موقعیت‌های انسانی و کنش‌های معنادار در آن»، به موضوع «انباشتگی اجتماعی» در دو بُعد «معنا» (فشردگی معنا) و «ساخت عینی» (فشردگی عینیت خارجی) پرداختند. سپس ایشان با اشاره به سطوح سه گانه فرهنگ (سطح روئین، سطح میانی، و سطح بنیادین) ویژگی‌ها و ابعاد وجودی فرهنگ همچون (۱) بُعد مادی - مجرد فرهنگ، (۲) هویت انتشاری، ترکیبی و توحیدی فرهنگ، و (۳) سیالیت فرهنگ، (۴) سمت‌های فاعلی سربانی فرهنگ، (۵) تاریخمندی فرهنگ، و (۶) جریان و سریان فرهنگ در تک‌تک افراد را برشمرده و توضیح دادند. بعد از بیانات ایشان جناب استاد رشاد و استاد پارسانیا ملاحظاتی را در باره کتاب و نظرات مولف بیان داشتند.

این نشست به ابتکار پژوهشکده مطالعات تمدنی و اجتماعی «و پژوهشکده فرهنگ و تمدن توحیدی» و با همکاری «گروه فرهنگ و تمدن» در دانشگاه باقرالعلوم و «شورای بررسی متون پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی» برگزار شد.

قالب برنامه‌های شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی در دوره جدید

نقد کتب و متون اصیل
(شامل مقالات شاخص)

۱

۲

بازخوانی کتب و متون علوم انسانی
(book review)

۳

متن خوانی:
سلسله جلسات متن خوانی متون مهم
و اثرگذار حوزه علوم انسانی

۴

کرسی‌ها، نشست‌ها
و همایش‌های علمی

۵

کتب، مقالات و بازخوانی‌های
کتاب پیشنهادی برای ترجمه

۶

طرح‌های پژوهشی
درباره نقد متون اصلی مکاتب علوم انسانی

۷

متون علمی-ترویجی مسئله محور
در قالب نقدنامه علوم انسانی

تدریس متون کلاسیک حوزه‌های
مختلف علوم انسانی در دانشگاه‌ها

۸

۱۰

ارتباط و همکاری با انجمن‌های علمی
و گروه‌های دانشجویی در فعالیت‌های فوق

۹

گزارش‌های سیاستی
درباره آموزش و پژوهش علوم انسانی



تحول علوم انسانی مستلزم نقد سنت‌های علمی در این عرصه است؛ نقادی‌ای که نقاط بحرانی آن سنت‌ها را مدنظر قرار دهد؛ نقاط سرآغاز، گردش، تثبیت و عمومیت علم. سنت‌های علمی را باید بیشتر در متونی که ناظر به این برهه‌ها هستند، بازخوانی و نقد کرد. تحول اساسی در علوم انسانی نتیجه بازشناسی میراث و تجارب تاریخی‌مان در ضمن بازخوانی و نقادی ریشه‌های سنت‌های علمی در علوم انسانی است. این همان مسیری است که شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی در دوره تحولی خویش در پیش گرفته است.



شورای بررسی متون و کتب
کتاب علوم انسانی